

حقیقت انقلاب ثور

ارگان کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستا ن

پنجشنبه ۱۹ ثور ۱۳۶٤

May, 9, 1985.

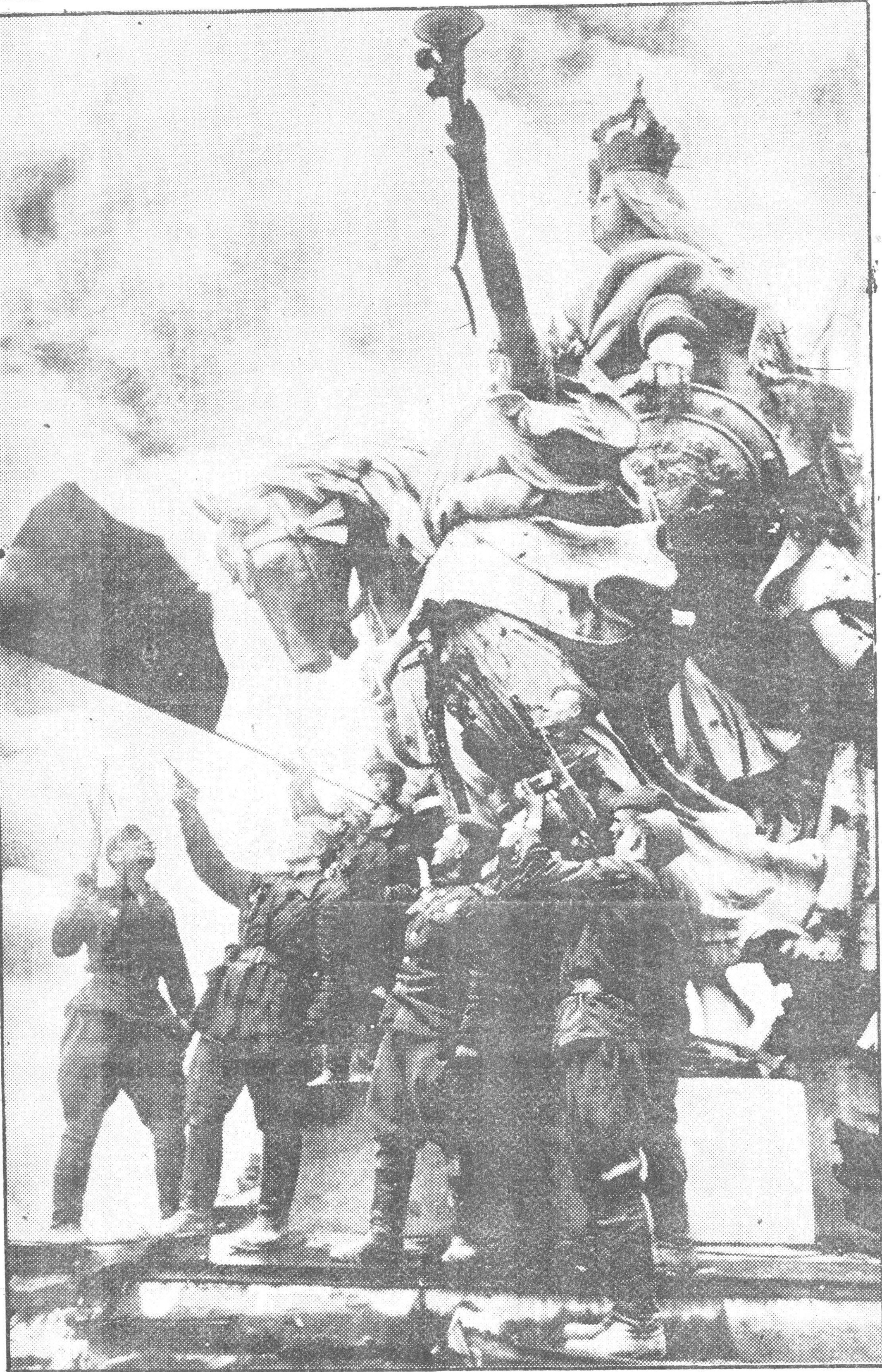
سال پنجم شماره ۲۱۲

شماره مسلسل ۱۱۲٤

سال تاسیس ۱۳۵۹



فرخنده باد چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیزم هتلری



شلیک های پیروز مندانه برفراز رایشتاگ



هنگا میکه مدال یادگاری جنگ کبیر میهنی به سینه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی ح.د.خ.ا ورئیس شورای انقلابی ج.د.ا تعلیق می گردد .

(تیلی فوتو)

اشتراک در گردهمایی بزرگ

مدال یادگاری جنگ کبیر میهنی به رفیق ببرک کارمل تفویض گردید

مدال یاد گاری سال های ٤۱ - ٤٥ جنگ کبیرمیهنی دیروز طی مراسم شاندااری درمسکو به سینه رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مر کزی حزب دمو کرا تیک خلق افغا نستان و رئیس شورای انقلا بی جمهوری دمو کرا تیک افغا نستان تعلیق گردید . در اخیر مراسم تعلیق مدال رفیق ببرک کارمل بیانیه امتنانیه ایراد نمود.

طبق یک خبر دیگر رفیق ببرک کارمل منشی عمو می کمیته مرکزی حز ب دموکرا تیک خلق افغانستا ن ورئیس شورا ی انقلا بی جمهور ی دموکرا تیک افغا- نستا ن ، دیرو ز در جلسه باشکو هی که به افتخا ر چهلمین سالگرد پیروزی بزرگ مرد م اتحاد شورو ی بر فاشیز م دایر گردید ه بود اشترا ك نمودند .

همچنا ن رفیق ببرک کارمل دیروز بر آرامگاه لنین و در محل سپاهی گمنام در شهر مسکو اکلیل های گـــل گذاشتند .

رفیق ببرک کار مل بنا به دعوت رهبری اتحاد شوروی برای اشترا ك درمراسم جشن چهلمین سالگرد پیروزی بزرگ مردم اتحاد شورو ی بر فاشیزم ساعت چار وسی عصر دیروز بو قت محلی وارد مسکو شد ه واز طرف مقامات عالیر تبهٔ حزبی ودولتی اتحاد شورو ی باگرمی استقبا ل شد .

جلسه باشکوه در مسکو

طبق گزار ش آژ انس خبر رسانی تاس ، گرد هم آیی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروز ی مرد م شورو ی د ر جنگ کبیرمیهنی (۱۹٤۱-۱۹٤٥) دیروز درمسکو دایر گردید .

قهر مانا ن اتحاد شورو ی وقهرمانا ن کار سو سیا - لیستی ، در یافت کنند گان نشان ها ی افتخا ر و افتخار کار که از تمام جمهور یت های متحد ه اتحاد جما هیر شوروی سو سیا لیستی به خاطر شر کت درین مراسم وارد مسکـــو شده انـــد ونمایندگا ن ز حمتکشها ن و عساکر قوا ی مسلح اتحا د شوروی در قصر کنگر ه های کریملین جا ییکه این گردهم- آیی دایرگردیدحاضر بودند .

درین گردهم آیی هیا ت های حز بی و حکو متی کشور های سو سیا لیستی ، نما - یندگا ن احزا ب کار گر ی و کمو نیستی ، هیا ت ها ی حزبی ودولتی کشور ها ی تاز ه به استقلال رسید ه ، نمایندگا ن احزا ب سوسیال دموکرا تیک ودیگر احزا ب، سیا ستمدارا ن ، نماینـد گا ن سازما ن ها ی بین المللی ، دموکرا تیک وساز مان ها ی اجتماعی خارجی،

(ص ۷)



رفیق میخا ئیل گر با چف منشی عمومی کمیته مر کزی حزب کمو نست اتحادشوروی حین ایرادبیانیه درجلسه باشکوه تجلیل از چهلمین سا لگرد پیروزی بزرگ اتحادشوروی بر فا شیزم در تا لار کـاخ کنگره ها در مسکو

(تیلی فوتو)

پیام تبریکیه

از طر ف کمیته مرکز ی حزب دموکرا تیک خلـق افغانستا ن ، هیات رئیسه شورای انقلابی جمهـور ی دموکرا تیك افغانستا ن وشورای وزیرا ن جمهـور ی دموکرا تیك افغانستا ن ، پیام آتی به مناسبت چهلمیـن سالگرد پیروز ی خلق قهرمان اتحاد شورو ی، جنگ کبیـر میهنی و غلبه بر فا شیـز م هتلر ی عنوا نی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی، هیا ت رئیسه شورای عا لی اتحـاد جماهیر شوروی سـوسیا لیستی و شورای وزیران اتحـاد جماهیر شوروی سـوسیالیستی به مسکو صا در شده است .

به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی .

هیأت رئیسه شورای عالی اتحـاد جماهیـر شـوروی سوسیالیستی .

شورای وزیران اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی .

رفقای گرامی !

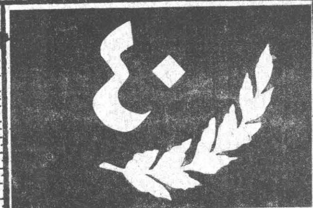
به نمایند گی از کمیتـه مرکزی حزب دموکرا تیك خلق افغانستان ، هیا ت رئیسـه شورای انقلابی ، شو را ی وزیرا ن جمهور ی دموکراتیك افغا نستان وتمام خلـق افغا ن بشما واز طریق شما تمام خلق قهرما ن اتحـا د شوروی را به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی در جنگـك کبیر وطنی سال های ۱۹٤۱-۱۹٤٥ از صمیم قلب تبریك می‌گوییم . پیروز ی خلق شوروی بر فاشیز م هتلر ی همچون انقلاب کبیر سو سیا لیستی اکتوبر دارا ی اهمیت عظیم در سر نو شت جهان است، این پیروزی حد فاصلی گردید که مر حله نو ینی را در تاریخ تکامل بشر یت معین ساخت. سال ها میگذرد و عظمــت کار نا مه خلق شورو ی، خلق نجات دهنده مدنیت جهانی ، خلق آزادی بخش صد هـــا مليو ن انسا ن هر چه درخشان تر وهر چه رو شنتر میگردد.

فاشیزم هتلر ی کــــه بیر حمانه ترین و مخـر ب ترین جنگ در تاریخ بشریت را علیه اتحاد شورو ی برا ه انداخته بود تلاش میور زید سوسیا لیز م ، این پیشر فته ترین نظام اجتماعی در جهان را از رو ی زمین محوونابود کند، اما فاشیزم با شکست کمر شکن موا جه گردید د ر جریا ن جنگ کبیر وطنی همه مزایای سوسیا لیزم ، امکانات عظیم اقتصاد ی ، اجتماعی ، سیاسی و معنو ی آن، تبارز یافت . خلق شورو ی و قوای مسلـح دلیر آن تحـــت رهبری حزب کمونیست لنینی اتحاد شوروی با مو فقیـت از آزاد ی واستقلال وطن خوددفاع وسهم فیصله کن را در آزادی خلقها ی اسیر ارو پا و آسیا از یو غ فاشیز م هتلری وملیتاریز م جاپا ن ایفـــا کردند .

در آتش جنگی که فاشیز م این مولود سیا ه نیرو ها ی امپریالیز م وارتجا ع بـــرافرو خته بود ، خود ش سوخت نتایج جنگ دوم جهانی تاثیرات نیرومندی بر جریا ن تکا مل جهانی گذاشت در نتیجـــه پیروزی اعتبار بین المللــی نخستین دولت ز حمتکشا ن در جهان کشور شورا ها به طور بی نظیر ارتقاء یافــت، مواضع نیرو ها ی متر قی و دموکرا تیك تحکیم یافتــــه شرایط مساعد برای مبارز ه توده های مرد م به خاطـــــر رهایی اجتماعی و ملی شا ن ایجاد گردید و تاثیرو نفو ذ احزاب کمونیستی کارگری و دموکراتیك توده یی افزایش پذیرفت جامعه همبستگــی سو سیا لستی در را ســـ اتحاد جما هیر شوروی سو- سیالیستی بو جود آمـــد وموفقا نه رشد میکند جنبش های آزاد ی بخش ملی قو ت گرفت و سیستم استعمار ی امپریا لیز م فرو ریخت .

مثا ل تمایل شکســـــت ناپذیر خلقها برای تعییــــن سرنو شت خود بدست خودیکی هم انقلاب ملی-دموکرا- تیك ثور در کشور ما ست که خلق آزاد ی دوست افغا ن تحت رهبر ی پیشا هنگـــ خود حزب دموکرا تیك خلـق افغانستا ن آنرا به پیروز ی رسانید .

(ص ۲)



به افتخار پیروزی بر فاشیزم

پیام تبریکیه

(بقیه ص اول)

زحمتکشان افغانستان انقلابی با الهام گیری از قهرمانی کبیر خلق پرافتخار شوروی با متانت واستواری در راه انکشاف اجتماعی واقتصادی گام بر میدارند و مبارزه قاطع را علیه توطئه‌های امپریالیزم و ارتجاع به پیش میبرند، ما به کمک عظیم و همه جانبه انترناسیونالیستی اتحاد شوروی به افغانستان انقلابی که در امر دفاع از دست آوردهای انقلاب ما مبذول میدارد وما را در مبارزه به خاطر ایجاد دگری تقویت می بخشد ارج فراوان می گذاریم.

رفقای گرامی!

خلق شوروی در سال‌های پر مشقت جنگ با پیروی از توصیه های لنین بزرگ به خاطر صلح مبارزه میکرد، ما به خوبی میدانیم که پیروزی برای اتحاد شوروی با چه بهای گرانی بدست آمد وبه خاطره تابناک سربازان اردوی دلیر شوروی همه انسان های شوروی که زندگی خود را بخاطر صلح، آزادی و ترقی بشریت قربان کردند احترام عمیق میگذاریم ودر روزگاران ماکه اوضاع بین المللی به گناه امپریالیزم بین المللی شدیداً کسب وخامت نموده است کشور شورا ها با متانت و پیگیری از صلح وامنیت خلقها همکاری متساوی الحقوق و متقابلاً بلامفید دول دارای نظام های مختلف اجتماعی دفاع می‌نماید دولت شوروی با داشتن قدرت دفاعی نیرومند تعداد زیاد ابتکارات سازنده وصلح آمیز را به منظور رفع خطر جنگ هستوی، قطع مسابقات خطرناك تسلیحاتی در زمین و در کیهان، تخفیف تشنجات بین المللی پیش کشیده‌است.

جمهوری دموکراتیک افغانستان که وفادار به سیاست صلح دوستانه خارجی خود است از این پیشنهادات که هدف آن دادن اطمینان به خلقهای سیاره ما برای فردای صلح‌آمیز و پر آرامش شان می باشد، قاطعانه پشتیبانی میکند. لویه جرگه شورای عالی عنعنوی ودموکراتیک کشور ما که چندی قبل در کابل دایر گردید ودر آن، نمایندگان همه اقشار مردم و ملیت ها، اقوام و قبایل افغانستان اشتراك داشتند ارادهٔ خلق افغان برای صلح وامنیت، آزادی وترقی دوستی و همکاری بین دول وخلقها رابطور قانع کننده نشان داد.

رفقای گرامی!

خلق شوروی چهلمین سالگرد پیروزی را دراوضاع واحوال اعتلای سیاسی وکار تجلیل میکند و آمادگی میگیرد تا از حادثه مهم در زندگی کشور، بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی استقبال شایسته نماید. جشن درخشان پیروزی کبیر را همراه با مردم اتحاد شوروی همه دول صلح دوست سیاره ما باشکوه و جلال تجلیل مینمایند. سازمان ملل متحد باین جشن پر افتخار اهمیت زیاد میدهد.

بشما رفقای گرامی وتمام خلق قهرمان و کبیر شوروی به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی یکبار دیگر ازاعماق قلب شاد باش وتبریک گفته و موفقیت های مزید را در مبارزه به خاطر صلح، امنیت و ترقی وپیروزی های باشکوه جدیدرا در راه ساختمان کمونیستی آرزو میکنیم.

بگذار کارنامه بی نظیر خلق شوروی در جنگ کبیر وطنی جاودانه درخاطره‌ها زنده باشد!

زنده باد صلح، امنیت وترقی بشریت!

کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان.

هیات رئیسه شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان.

شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان.

تلگرام تبریکیه

از طرف رفیق ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیک افغانستان و رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان ورئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان تلگرام تبریکیه به مناسبت روز آزادی جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا وپیروزی بر فاشیزم هتلری عنوانی رفیق گوستاف هوساک منشی عمومی کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکیا ورئیس جمهور جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا ورفیق ولوبومیر شتروگال صدراعظم جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا به پراگ مخابره شده است.

در تلگرام اظهار اطمینان کامل شده است که معاهده دوستی وهمکاری بین دو کشور نقش عمده یی را در تقویت مزید مناسبات دوستانه وهمکاری متقابلا مفید به نفع مردمان دو کشور و تحکیم صلح و امنیت جهانی ایفا مینماید.

باختر

ضیافت

سفارت کبرای جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکیا عصر دیروز سالگرد آزادی کشورش و پیروزی بر فاشیزم هتلری را ضمن ضیافتی تجلیل نمود.

درین ضیافت که از طرف داکتر واسلاو کوبا سفیر کبیر و نماینده فوق العاده آن کشور در کابل، درمنزلش ترتیب شده بود رفیق سلطانعلی کشتمند عضو بیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و رئیس شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، بعضی ازاعضای بیروی سیاسی و دارالانشای کمیته مرکزی حزب و عده از اعضای کمیته مرکزی حزب، شورای انقلابی و شورای وزیران جمهوری دموکراتیک افغانستان، برخی‌از کارمندان عالی رتبه عسکری وملکی، سفرای کبار، شارژدافیر ها و اتشه های نظامی کشور های متحابه در جمهوری دموکراتیک افغانستان باخانم هایشان شرکت ورزیده بودند.

باختر

نهم می - جشن بزرگ بشریت

امسال خلق اتحاد شوروی وتمام بشریت مترقی چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیزم راباشکوه و جلال جشن میگیرند.

نهم ماه می سال روان مصادف است با چهلمین سالروز پیروزی سرنوشت ساز خلق قهرمان اتحاد شوروی، نیرو های جهانی ضد فاشیستی و بشریت آزادی خواه و صلحدوست جهان بر هیولای وحشتبار فاشیزم هتلری.

خلقهای صلحدوست جهان اگر امروز زیکسو در برابر خاطرهٔ جانبازانه و قهرمانانهٔ میلیون هاانسان شوروی سر تعظیم فرود می آورند، از سوی دیگر از درس های بزرگ آن می آموزند وبرای تحکیم صلح جهانی قاطع تر وفشرده تر مبارزه میکنند.

جنگ دوم جهانی مانند تمام جنگ های امپریالیستی محصول قانون رشدناهمگون سرمایه داری، تشدید تضاد میان کشور های سرمایه داری و حدت مبارزهٔ آنها برای بدست آوردن بازار های جدید فروش کالاها، دستیابی به منابع مواد خام ویافتن مناطق جدید به منظور سرمایه گذاری های چپاولگرانه بود.

مقدمات این جنگ هستی سوز در مدت بیست سال‌بعد از پایان جنگ جهانی اول تکوین یافت. درسال های ۱۹۱۹-۱۹۲۰ طی کنفرانس صلح پاریس تقسیم مجدد جهان دربین کشور های امپریالیستی صورت گرفت. مستعمره های آلمان مغلوب میان کشور های فاتح یعنی انگلستان، فرانسه و جاپان‌وغیره تقسیم گردید.

تجدید تقسیم جهان، تضاد بین کشور های امپریالیستی را به مرحله جدیدی وارد ساخت. درسال های اول دههٔ سی‌دو گروهبندی امپریالیستی تشکل یافت: دریکسو ایالات متحدهٔ امریکا، انگلستان و فرانسه وسوی دیگر آلمان، جاپان‌وایتالیا.

دول فاشیستی آلمان، جاپان وایتالیا به منظور تقسیم مجدد جهان، بدست آوردن برتری‌نسبت به‌رقبای امپریالیستی خود، تامین سلطهٔ فاشیستی بر تمام جهان وامحای اولین کشور سوسیالیستی جهان یعنی اتحاد شوروی، جنگ جهانی‌دوم را تدارك می دیدند.

سردمداران گروهبندی اول یعنی ایالات متحده امریکا، انگلستان‌و فرانسه معتقد بودند که تجاوزگران فاشیستی را باید علیه اتحاد شوروی سوق داد واز طریق تضعیف آلمان و اتحادشوروی مواضع امپریالیستی خودرادر جهان استحکام بخشید.

این دوگروهبندی باوجود تضاد هایی که برسر منافع آزمندانهٔ امپریالیستی دربین شان وجود داشت دریك هدف با هم نظر کاملا موافق داشتند و آن عبارت بود از امحای اتحاد شوروی‌سوسیالیستی و بر گرداندن سیطره سرمایه داری برتمام جهان.

فاشیزم اساساً در سال ۱۹۱۹ در «باوریا»ی آلمان زاده شد. حزب فاشیستی «ناسیونال - سوسیالیست آلمان» که تجسم ارادهٔ ضد انسانی انحصارات آلمان بود، از همان آغاز فعالیت خود، ترویج ایده های‌ناپاك برتری نژادی، مبارزه با کمونیزم، ایجادامپراتوری جهانی نژاد آلمانی وسرکوب جنبش های‌انقلابی آلمان و جهان می پرداخت.

فاشیست ها با عنوان کردن دفاع از «ملت‌ستمدیدهٔ آلمان»، «مبارزه برای‌رفاه عامه»، «مبارزه به خاطر حقوق عادلانه کار»، «مبارزه برای‌تقسیم‌زمینهای ملاکین»! سعی می ورزیدند، اعتماد مردم آلمان رابدست آورند. آنان از طریق تحریك احساسات ناسیونالیستی و شوونیستی برخی از مردم آلمان در سال ۱۹۳۲ در انتخابات رایشتاگ تعداد قابل‌ملاحظه آراء را بدست آوردند.

هتلر این جانی بالفطره درسال ۱۹۳۳به کمك همه جانبه انحصارات بزرگ آلمانی و خارجی به قدرت رسید.

در شرق دور جاپان به منظور تأمین حاکمیت بالای چین‌و حوزهٔ اقیانوس آرام با ایالات متحدهٔ امریکا به رقابت برخاست. در سال ۱۹۳۱ منچوریا را اشغال‌کرد. باوجود آنکه تجاوز جاپان برچین واشغال منچوریا، توسط عساکر اشغالگر جاپانی منافع دول امپریالیستی ایالات متحدهٔ امریکا، انگلستان و فرانسه رابه‌خطر انداخت ولی آنان به امید اینکه جاپان بعد از اشغال چین‌به اتحاد شوروی حمله خواهدکرد و همچنان جنبش آزادی خواهی ملی خلق چین راسرکوب خواهد نمود هیچگونه عکس العملی را در این زمینه از خود نشان ندادند.

درسال ۱۹۳۵ ایتالیای فاشیستی بر مبنای طرح تقسیم مجدد جهان برکشور حبشه تجاوز کرد و آن‌کشور را اشغال نمود. کشور های مرتجع غربی در اینجا هم سکوت اختیار کردندو دست موسولینی رابرای ارتکاب جنایات بیشتر باز گذاشتند.

در سال ۱۹۳٦ با امضای موافقتنامه آلمان و ایتالیا محور برلین - روم ایجاد گردید. اندکی بعد از آن جاپان نیز به آن پیوست. باپیوستن جاپان به آنها پیمان برلین - روم - توکیو به منظور مبارزه با «کمونیزم جهانی»، شعله ور ساختن جنگ برای تقسیم مجددجهان بین انحصارات کشورهای محور، ونابودی اتحادشوروی تشکیل گردید.

هتلر اشغال کشور زادگاه خود یعنی اتریش را صادر کرد. درسال ۱۹۳۸ اتریش توسط عساکر آلمان فاشیستی اشغال گردید و اتریش به آلمان ملحق ساخته شد.

کشور های ایالات متحدهٔ امریکا، انگلستان و فرانسه نه تنها با اشغال اتریش توسط آلمان مخالفت‌نکردند، بلکه آنرا مورد تایید قرار دادند. این کشور هادر تمام این مدت «سیاست تسکین» یعنی سیاست سوق آلمان هتلری به جنگ علیه اتحاد شوروی را درپیش گرفته بودند.

در دسامبر سال ۱۹۳۸ کنفرانس میونیخ به اشتراك هتلر، موسولینی، دالادیه‌و چمبرلین دایر گردید. دراین کنفرانس کشور های‌انگلستان وفرانسه باکشور های فاشیستی به معامله‌نشستند. طی این کنفرانس موافقتنامهٔ پیرامون تقسیم چکوسلواکیا به امضاء رسید.

محافل حاکمهٔ انگلستان‌و فرانسه تصور میکردند که معاملهٔ ننگین میونیخ، هتلر را از تجاوزگری هایش در اروپا باز خواهد داشت و صرف به تجاوز علیه اتحاد شوروی بسنده خواهد کرد ولی در عمل چنین نشد. فاشیست های آلمانی به تجاوز گری های خود ادامه دادند. درسال ۱۹۳۹ خلیج «کلائی پدا» را که متعلق به لیتوانی‌بود اشغال‌کردند درهمین سال فاشیست‌های ایتالیایی البانیا را به‌تصرف خود در آوردند.

در چنین وضعی که اروپاو جهان را هیولای وحشتبار فاشیزم به نابودی تهدید میکرد، اتحاد شوروی‌برای لگام زدن به فاشیزم‌و جلوگیری‌از وسعت خطر جنگ جهانی سعی نمود تا‌با انگلستان و فرانسه موافقتنامه نظامی رابر اساس اصول برادری و منافع‌متقابل امضا نماید، ولی‌محافل حاکمهٔ انگلستان و فرانسه‌از امضای چنین موافقتنامه‌یی شانه خالی میکردند. دولت انگلستان با دولت آلمان‌به مذاکرات پنهانی پرداخت تا پیرامون اتحاد شوروی و کشور های اروپای شرقی‌به معاملهٔ دیگری‌دست یابند.

درسال۱۹۳۹ فاشیست های آلمان برای غافلگیر‌کردن اتحاد شوروی پیشنهاد پیمان عدم‌تعرض ده ساله‌به اتحاد شوروی داد. اتحاد شوروی که درسرحدات‌خود در شرق دور با ماجراجویی های میلیتاریست های جاپان مواجه بود واز جانب دیگر کشور های امپریالیستی غربی سیاست معامله گرانه را در پیش گرفته بودند به منظور فرصت یافتن جهت تحکیم مواضع دفاعی خود، پیشنهاد آلمان راقبول‌نمود. بدین‌ترتیب درسال ۱۹۳۹، پیمان عدم تعرض از طرف دوکشور به امضا رسید.

در اول سپتامبر سال ۱۹۳۹ آلمان فاشیست به پولند حمله کرد. حکومات انگلستان و فرانسه که به پولند وعدهٔ کمك داده بودندبه تاریخ سوم سپتامبر همین سال ظاهراً‌با آلمان اعلام جنگ دادند ولی در عمل به امید اینکه فاشیست های هتلری بعد از اشغال پولند به اتحاد شوروی حمله خواهند کرد قوای نظامی انگلستان و فرانسه دربرابر نیرو های مسلح فاشیست ها سکوت کردند. ایالات متحدهٔ امریکا نیز بیطرفی خودرا اعلام نمود. کشور پولند تحت ضربات سلاح سنگین فاشیست ها باخاك یکسان شد. کارگران و زحمتکشان پولند در تحت رهبری حزب کمونیست‌پولند قهرمانانه از وطن خود دفاع میکردند، ولی نیروی فاشیست های هتلری باقساوت وبیرحمی‌شهرها را آتش می زدند و مردم را قتل عام میکردند، برتری جنگی به‌نفع هتلری هابود.

در فاصله بین سال های ۱۹۳۹-۱۹۴۱ آتش جنگ جهانی دوم تمام اروپا رادر بر گرفت. فاشیست های هتلری توانستند در چهارده کشور طی جنگ های «برق آسا» یابه حیث فاتح‌و یابه حیث متحد مستقر شوند.

فاشیست های آلمانی‌بعد از درهم کوبیدن فرانسه به فکر حمله بر اتحاد شوروی افتادند. به اساس فرمان هتلر ستر در ستیز هتلری طرح «عملیات بارباروس» که هدف آن اشغال اتحاد شوروی با «جنگ برق آسا» بود، آماده گردید.

به تاریخ بیست‌و دوم‌جون ۱۹۴۱ آلمان فاشیستی عهد شکنانه و بدون اعلان جنگ بر خاك اتحاد شوروی هجوم برد. جنگ خونین در مرزهای اتحاد شوروی ازدریای «بارنتس» تا بحیرهٔ سیاه مشتعل گردید.

اردوی سرخ باوجودآنکه قهرمانانه از وجب وجب خاک‌وطن خود دفاع میکردند، نتوانست جلو پیشروی‌سریع قوای اشغالگرفاشیستی راسد کند. قوای دشمن هم ازلحاظ سلاح وهم از لحاظ تکتیك نظامی برتری داشتند.

اقتصاد و تمام زندگی‌آلمان نظامی شده بود، فاشیست های‌هتلری در جنگ های غرب تجارب فراوان اندوخته بودند، توانایی جنگی آلمان فاشیستی با اشغال کشور های اروپایی و تصرف زرادخانه های تسلیحات، امکانات اقتصادی، مواد خام‌استراتیژیك، ذخایر بزرگ فولاد، فابریکه های ذوب‌آهن، فابریکه های اسلحه سازی‌و غیره وغیره چندین مرتبه‌بلند رفته بود.

مزید بر آن آلمان هتلری در جنگ علیه اتحاد شوروی از نیروهای جنگی کشور های وابستهٔ خودیعنی ایتالیا، مجارستان، رومانیا و فنلیند نیز استفاده کرد.

هدف آلمان هتلری‌ازحمله بر اتحاد شوروی امحای کامل نخستین کشور سوسیالیستی جهان و تصرف منابع عظیم اقتصادی آن‌بود.

در آن زمان هتلر گستاخانه گفته بود: «برای‌ماکافی نیست اردوی روسی را نابود سازیم و لنینگراد، مسکوو قفقاز راتصرف نماییم. ماباید این کشور را با خاك یکسان سازیم ومردم آنرا از بین ببریم.»

روشن است که آلمان هتلری با از پا در آوردن قلع وقمع اتحاد شوروی اکتفا نمیکرد. هتلر پیشبینی می کرد که بعد از اشغال اتحاد شوروی باید مستعمره های انگلستان به شمول هندو همچنان مصر، جزایر برتانوی وایالات متحدهٔ امریکا وسایر نقاط جهان نیز تسلط آلمان بیاید.

درآن زمان در جهان به جز از اتحاد شوروی نیروی دیگری‌وجود نداشت که راه کشور گشایی فاشیزم‌هتلری راسد کند. چشم جهانیان به اتحاد شوروی، کشورکارگران‌و دهقانان دوخته‌شده بود.

اتحادشوروی که‌در شرق‌ازطرف جاپان میلیتاریستی تهدید میشد نمیتوانست تمام نیروی نظامی خودرا برای مقابله بافاشیزم هتلری‌سوق دهد واز جانب دیگر آلمان هتلری از هشت اعشاریه‌پنج میلیون سرباز و افسر خود پنج اعشاریه پنج‌میلیون نفر آنرا همراه با بیشتر از چهار هزار عراده تانك، چهل و هفت هزار میل توپ‌وهاوان ودر حدود پنج هزار طیاره‌به جبههٔ شرق یعنی به جنگ علیه شوروی بسیج کرده بود. در برابر خلق شوروی امر بزرگ دفاع از میهن سوسیالیستی و نجات خلق های‌جهان از هیولای‌مرگبار فاشیزم قرار داشت.

مردم شوروی برای یک جنگ عادلانه، آزادی‌خواهانه ووطن پرستانه به پاخاستند. این فراخوان حزب کمونیست ودولت شوروی که «همه چیز برای جبهه، همه چیز برای کسب پیروزی» به شعار همه خلق مبدل‌گردید.

مردم داوطلبانه جهت دفاع از وطن سوسیالیستی مفرزه ها، غند ها و فرقه ها را تشکیل دادند، اعضای حزب کمونیست و کمسمول لنینی نقش بزرگی را در این زمینه ایفا کردند.

حزب کمونیست و دولت شوروی تجاویز جدی را جهت تقویه نیرو های مسلح اتخاذ نمود که درنتیجه آن اردوی سرخ هم از لحاظ عددی وهم از لحاظ تجهیز و تسلیح درسطح بلندقرار گرفت. درسال های اول جنگ بهترین تانکها و طیاره ها ایجاد گردید. راکت اندازهای موسوم به ((کاتیوشا))که محصول سال ۱۹۴۱ بود ترس مرگ باری را در صفوف اردوی فاشیستی ایجاد کرد.

فاشیست های هیتلری طبق نقشه ((بار با روس)) در مراحل اول جنگ باسرعت تمام در خاك شوروی پیشروی کردند. آنان با قساوت حیوانی مناطق مسکونی، شهر ها، فابریکه ها و موسسات تولیدی را بمباران می کردند ومردم غیر نظامی را به گلوله می بستند.

فاشیست ها توانستند لنینگراد، مهد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر رامحاصره کنند و همچنان خودرا به نزدیکی های مسکو برسانند.

سر زمین شوروی درشعله های جنگ می سوخت. مردم قهرمان شوروی با وجود دشواریهای طاقت فرسا جانبازانه از وطن خوددفاع می کردند. آنان میدانستند که از وطنی دفاع می کنند که در آن‌خود حاکم بر سرنوشت خویش اند.

خلق های اتحاد شوروی تحت رهبری داهیانه حزب کمونیست وبه‌برکت اقتصاد پلانیزه شده سوسیالیستی، روحیهٔ وطن پرستی و ارادهٔ خلل ناپذیر وقهرمانانه به افسانه ((شکست ناپذیری)) اردوی اشغالگر فاشیستی خط بطلان کشید.

فاشیست ها اول درجنگ های خونین حومهٔ مسکو شکست خوردند. مدافعین مسکو تحت قوماندانی گیورگی ژوکوف شعار ((مسکو را تسلیم نمی کنیم)) تحقق بخشیدند. با شکست فاشیست های آلمانی در مسکو تحول‌عمیقی در سرنوشت جنگ‌به وقوع پیوست. درسال ۱۹۴۲نیرو های آلمان فاشیستی در نبرد استالینگراد در زیر ضربات خرد کنندهٔ اردوی سرخ در هم‌کوبیده شدند. نبرد استالینگراد بحیث بزرگترین رویداد نظامی- سیاسی جنگ دوم جهانی در تاریخ ثبت گردیده است. پیروزی اردوی سرخ در نبرد استالینگراد سرنوشت آیندهٔ جنگ را تعیین کرد. ابتکار استراتیژیك جنگ تاپایان آن در دست اتحاد شوروی‌باقی ماند.

دولت های ایالات متحدهٔ امریکا و انگلستان علی‌الرغم وعده های پیهم شان جبههٔ دوم را نه گشودند. آنها هنوز هم خیال خام‌تضعیف وسرکوب اتحاد شوروی توسط آلمان فاشیستی را در سر می پروراندند. چنانکه سناتور ترومن‌که بعداً به ریاست جمهوری ایالات متحدهٔ امریکا رسید اظهار نموده بود: ((اگر مشاهده کردیم که آلمان پیروز می شود، ما باید به روسیه کمك کنیم، ولی اگر روسیه بخواهد پیروز شود، در این صورت ما باید به آلمان یاری دهیم تا بدینسان آنها همدیگر را تا ممکن است بکشند.))

جبههٔ دوم در جون سال ۱۹۴۴ درست در زمانیکه دیگر پیروزی حتمی اتحاد شوروی بر فاشیزم به همگان آشکار شده بود از طرف ایالات متحدهٔ امریکا وانگلستان با پیاده کردن نیرو درساحل دریای مونشن گشوده شد.

در اکتبر سال ۱۹۴۴ اشغالگران فاشیستی ازخاك شوروی رانده شدند. خلق واردوی شوروی وطن سوسیالیستی خود را از چنگال خونین فاشیزم هیتلری نجات دادند. دربرابر اردوی سرخ همچنان وظیفه‌نجات میلیون‌ها انسان تحت اسارت فاشیزم در خارج‌از مرز های شوروی قرار داشت.

پیروزی های پی در پی اردوی سرخ وخلق شوروی، جنبش های آزادی بخش‌ملی را در اروپای اشغال شده به حرکت در آورد. احزاب کمونیست این کشورها که هسته های مقاومت در برابر فاشیزم را تشکیل میدادند، مبارزات وسیعی را به خاطر استقلال وآزادی و نابودی کامل فاشیزم سازمان دادند.

اردوی سرخ در اپریل ۱۹۴۵ حملات وسیعی را در امتداد سواحل دریا های «اودر» و «نایس» آغاز کرد. بادرهم شکستن خط دفاعی دشمن به سوی برلین پیش رفت و به تاریخ ۲ می ۱۹۴۵برلین را فتح کرد. سربازان اردوی سرخ پرچم پیروزمند شوروی را بر فراز کاخ رایشتاگ به اهتزاز درآوردند. شب هشتم ماه می سند تسلیمی بلا قید وشرط آلمان به امضا رسید وفاشیزم هیتلری در شعله های آتشی که خود روشن کرده بود سوخت و روز نهم ماه می در تاریخ جهانی بحیث روز پیروزی خلق اتحاد شوروی و تمام خلق های جهان بر هیولای فاشیزم ثبت گردید و به این ترتیب یکی از خونین ترین وفجیع ترین جنگ های که حافظه تاریخ بشری به یاد دارد پایان یافت.

اکنون که باز هم شریرترین و مرتجع ترین محافل امپریالیزم جهانی به سردمداری امپریالیزم جنگ افروز امریکا، صلح وامنیت جهانی‌را در معرض خطر جدی قرار داده اند، حزب کمونیست اتحاد شوروی، دولت و خلق شوروی در پیشاپیش نیرو های صلح دوست جهان برای تامین و تحکیم صلح پایدار جهانی قاطعانه مبارزه می کنند.

رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیتهٔ مرکزی حزب‌کمونیست اتحاد شوروی در پلینوم کمیتهٔ‌مرکزی حزب کمونیست اتحادشوروی تاریخی ۲۳ اپریل ۱۹۸۵ گفت:

((اتحاد شوروی یکبار دیگر اعلام میدارد که به طور جدی و پایدار مشی لنینی صلح و همزیستی مسالمت آمیز را که به واسطهٔ نظام اجتماعی، اخلاق و جهان بینی ما تایید می گردد، تعقیب می نماید. ماطرفدار مناسبات مساویانه، معقول و متمدن بین‌الدول که بر مبنای‌احترام واقعی نورم های حقوق بین الدول استوار باشد، هستیم، ولی باید کاملا واضح باشد صرف در صورت امتناع امپریالیزم از تلاش جهت حل و فصل مناقشه تاریخی بین دو سیستم اجتماعی با توسل به وسایل جنگی ممکن است که مناسبات بین‌المللی در مسیر همکاری سوق گردد.))

صدیق کاوون

به افتخار پیروزی بر فاشیزم

۴۰



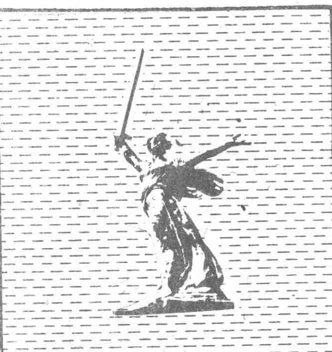


● جنرالیسیمو س اتحادشوروی ی.و. استالین ـ سر قو ماندا ن عالی قوای مسلح، ریس کمیته دفا ع دولتی ، منشی عمو می کمیته مرکزی حزب سر تاسر ی کمونیست (بلشویك) ، رئیس شورای کمیسارا ن مرد می، وکمیسار مردمی دفا ع اتحاد شورو ی در جنگ جهانی دوم .

● سربازان پیروز مند اتحادشوروی بیرق ها ونشان های نازی را در برابر آرامگا ه ولادیمیر ایلیچ لنین درجریان مارش پیروزی در میدان سرخ مسکو در ۲٤ جون ۱۹٤٥ به زمین می اندازند .

آخرین دقایق جنگ

صفحاتی از تاریخ



یکی از ناحیه های شهر برلین پایتخت جمهور ی دموکراتیك آلمان «کارل هورست» نام دارد . در این نا حیه جادهٔ کو چکی جانبی موجود است که به تعمیر دو منز له منتهی میگردد ، درین تعمیر به تاریخ هشت ماه می ۱۹٤٥ جنرالان آلمان فا شیست تسلیمی بلاقید و شرط آلمان فاشیست را در جنگ دو م جهانی امضا نمودند . فیو رر (رهبر) آنها سی اپریل به خاطر فرار از مسوو لیت خود کشی کرده بود . تعمیر مذکور برای عقد تسلیمی آلمان فاشیست به صور ت تصادفی انتخا ب نگر د یـد در سال ۱۹۳۹ جنرالا ن آلمانی در همین تعمیر جمع شده واز آنجا مستقیماً به خاطر تسخیر جهان و به خاطر ار ضای منا فـع آز مندا نهٔ انحصا رات نظا می آلمان به فتو حا ت خود گا م نهادند . آنها طی فتو حا ت خود در جهان بهٔهر جنا یتیِ از قبیل کشتاردسته جمعی ،ترور انتي فا شیست ها در کشور های خو د شان وبه کشتا ر مرد مان بیگنا ه غیر نظا می دست زدند. آنها به اطفا ل ، ز نا ن ، پیر مر د ا ن و پیر ز نـا ن برهیچکس رحمی نمی کردند.

فا شیست هـا در هشت ماه می ۱۹٤٥ مجبو ر گرد یدند در همین شهر سند شکست قطعی خود را امضاء نمایند . این شکست قطعی را مرد مان جها ن که درجبههٔ ائتلاف ضد هتلر ی متحـد شده‌بودند ،به‌د شمنان بشریت به ارمغا ن آوردند .

هشت ماه می ۱۹٤٥ ساعت دوازد ه شب به و قت مسکو نمایندگا ن فوق العادهٔ متحدین مار شال اتحاد شورو ی گ.ك ژوکوف نماینده جـوز ف استالین ، ستر مارشا ل نیرو ها ی هـوایی انگلستان آرتورتیدر ،قو ماندان نیرو های استرا تیژ یکی ایا لات متحده امریکا .ك. اسپاتس، قو ماندا ن نیرو های فرانسوی، جنرا ل ژ. دیلا تردی تاسینی، وارد سالو ن عقد قرار دا د تسلیمی بلا قید و شرط آلمان فاشیست گردیدند .

آنها بعد از ورود به‌سالون به جا های معّینه خود که در مقابل هر کدام آنها پر چـم کشور های شا ن در اهتزاز بود قرار گرفته ودر متبا قی جا ها جنرا لان اتحادشوروی اخذ موقع نمودند .مارشا ل ژوکوف بعد از ورود اخـذ موقع به جایش ایستاد ه و اعلان کرد : « ما نماینـد گـان اتحاد شورو ی ، سرقوماندان عالی نیرو های مسلح اتحـا د شوروی و قو ماندان عا لـی نیرو های متحدین از جانـب حکو مات عضو ائتلاف ضد هتلر ی وظیفه داریم تـا تسلیمی بلاقید و شرط آلمان را از جانب قوماندانی عا لـی نظا می آن کشور بپذیریم. لطفاً نمایندگا ن قوما ندانی عالی آلمان «ورماخت» را به سالو ن بیاور ید . »

عساکر اتحاد شـورو ی درواز ه را باز کردند نخستین فرد جنرال فیلد مارشال کیتیل رئیس قوماندانی عا لی ورماخت در درواز ه ظاهر گردید. سینهٔ او بـا مـدا ل هـا ی آلمان فاشیست مزین بو دو چوب مخصوص مارشال هارا در دست داشت ، تلا شـس ورزیدتاحالت روانی خودراحفظ و خود را آرا م جلوه دهد، اما قیافه او همه مطالب راواضـح وروشن بیان میکرد . به‌تعقیب او دگر جنرا ل هوا یـی اشتو مپف اد میرا ل فو ن فرید یبورگ باحقو ق دانا ن وارد سالو ن گردیدند . آنها به جا های معینه در پشت‌میز کوچك که در نزدیکی دروازه واقع بود نشستند .

مار شال ژو کو ف خطا ب به آنها گفت: « آیانزد شما قرار داد. تسلیمی بلا قید و شرط موجود است ؟ شماآنرا مطالعه کرده اید ؟ آیا حاضر هستید آنرا امضا نمایید ؟ کیتیل جوا ب داد :

بلی ماآنرا مطالعه و آمادهٔ امضای آن میبا شیم .» بریـد جنرا ل باکو ف که‌در آنوقت درسالو ن حاضر بود بعد ها در خاطرا ت خود نو شت :

«در همین لحظه به مـن چنین احساس دست داد که ای کاش مردم جها ن میتوا‌ـ نستند از دیوار های این‌تعمیر گذشته و به کلمات جنرا لان فاشیستی که دیگر به زانودر آمده بودند ، گوش میدادند. من در همان لحظه به کسانی که هنوز در جنگ قرارداشتند یتیم هاو بیوه ها،ما درا ن، افراد قهرمان نیرو هـا ی سر حد ی ما که تا آخریـن نفس از میهن شان دفا ع کرده ودست از مبارز ه نکشیده و دشمن را در سر حد مد تها متوقف سا ختند و میلیون ها رفیق که ما آنها را در را ه طولانی پیروز ی کبیر ازدست دادیم ، فکر میکردم .»

نهم ماه می ۱۹٤٥ ساعت یك و چهل وسه دقیقه شب به و قت مسکو مو عد تسلیمی بلاقید و شر ط آلما ن کـه توسط کیتیل امضا شده بود، فرا رسید و به همین تر تیب مدت اعتبار آخرین سندرسمی هتلر ی ها نیزپایا ن یافت . رایش آلما ن فاشیست ازبین رفته و جنگ در ارو پاخاتمه یافت .

سالو نی که در آن قرار داد تسلیمی بلاقید و شرط آلمان فاشیست امضا گردید ، بـه حالت اولیِ آن حفظ شده ودر دیوار عقب میز طویل عقدقرار داد ، پر چم های اتحادشوروی ایا لات متحد ۀ امریکـا، و انگلستا ن وفرانسه آو یختـه شده است . میز عقد قرارداد که روی آن سر میزی سبـز رنگ فرش‌است قبل‌ازپیروزی درعقب آن پلان های فتـح جهان ، کشتار انسا ن ها ، غار ت مواد خام و صد هانوع جنایا ت دیگر علیه بشریت، توسط جنرا لان و طراحـان فاشیستی طر ح میشد .امروز این تعمیر به موزیم مبـد ل شده است .

ترجمه از منابع جمهوری دموکراتیك المان .

مارشال ژوکوف



گ .ك. ژوکوف

گیور کی کو نستا نتینویچ ژوکو ف (۱۸۹٦ ـ ۱۹۷٤) چها ر بار قهرما ن اتحـا د شورو ی و قهرما ن جمهور ی مرد م منگو لیا بود ه او دو بار به در یافت عا لی تر یـن مدا ل نظا می شورو ی ((مدال پیروز ی)) مفتخر گردید ه است . مار شا ل ژو کو ف عضو حزب کمو نیست اتحاد شورو ی ازسا ل ۱۹۱۹ بوده و در قطعا ت قشو ن سر خ ازسا ل ۱۹۱۸ شا مل و ا ز زمر ه شر کت کنند گا ن جنگ جها نی او ل نیز می باشد . درسا ل ها ی جنگ دا خلی او قـو ماندان بلو ك و بعـداً قو ما ندا ن کند ك سوا رمقرر گردید بعد ها به پست ها ی دیگر نظا می مقرر و تا قوـ ما ندا ن قو ل اردو ار تقـا نمود . در جنـور ی سا ل ۱۹٤۱ بحیث لو ی در ستهـز قوای مسلح اتحاد شـوروی و معاو ن کمیته دفا ع مرد می مقرر شد . در ما ه جو ن ۱۹٤۱ در ستاد قو ما ندا نی عا لی نظا می و در اگست سال ۱۹٤۲ مجد داً به صفـت معاو ن کمیته دفا ع مرد می و معاو ن ستاد قو ماندا نـی عالی مقرر ورهبری انسجـام سا ل ها ی دشوا ر جنگ‌علیه فا شیزم آلما ن ، سازماندهی دفا ع لنینگراد و رهبر ی دفا ع مسکو به عهد ه او گذاشته شد . بعد ها ا و به حیث رئیس ستاد قوما ندانی عالی مقرر ورهبری انسجـام فعا لیت ها جبهاتِ را درنوا‌ـ حی استا لینگراد ، کورسك در دنیپرو سا یر منا طق به عهد ه داشت . در نوا مبـر ۱۹٤٤ قو ما ندا نی جبهـه او ل بلا ر وسیه نیز به عهده گ.ك. ژو کو ف گذاشته شد و به و ی وظیفه داد ه شد تابه استقا مت بر لین حر کت

(ص٤)



عکس جنرا ل فیلد مارشال هتلری کیتل (بطرف راست)هنگام امضا ی سند تسلیمی بدون قید وشرط .
از چپ به راست معاو ن وزیرخار جه اتحا دشوروی ویشینسك مارشال نیـروهای هوایی ارتور تیدر ازبریتانیا، مارشال اتحادشوروی ژوکوف، جنرال کارل اسپاتس از ایالات متحده امریکاوجنرال دیلاتردی تاسنی از فرانسه .



به افتخار پیروزی بر فاشیزم

مارشال ژوکوف

(بقیه ص۳)
نماید. او به نمایندگی از دولت شوروی تسلیمی بلا قید و شرط آلمان فاشیست را پذیرفت.

بعد از جنگ گ.ك. ژوکوف پست های مهمی را در نیرو های مسلح اتحاد شوروی عهده دار بود و تا سمت وزیر دفاع بالا رفت. او به ارگان های معتبر حزبی انتخاب وچندین سال متواتر افتخار عضویت شورای عالی اتحاد شوروی را داشت.

به خاطر اینکه تصویر درست در مورد مقیاس فعالیت های مارشال ژوکوف ارایه گردد، کافیست حوادثی تذکر داده شود که او مستقیماً در آن شرکت داشت.

درسال ۱۹۳٤ مارشال ژوکوف در راس نیرو های اتحاد شوروی قرار داشت که ملیتاریست های جاپانی را در نواحی دریای خالخین گول منگولیا سرکوب نمود. ملیتاریست های جاپانی در این مناطق به اعمال ماجراجویانه علیه جمهوری مردم منگولیا دست زده بودند. شش سال بعد در سال ۱۹٤۵ در نواحی برلین به مارشال ژوکوف اسناد مخفی را نشان دادند، که از دفتر ستاد ارتش آلمان فاشیست بدست آمده بود. این سند که ازسال ۱۹۳٤ بود در آن فاشیست ها مارشال ژوکوف را ((حریف قوی و خطرناک)) خود قلمداد نموده بودند.

در استانه جنگ کبیر میهنی مارشال ژوکوف به صفت لوی درستیز نیروهای مسلح اتحاد شوروی کار می کرد. بعدها او قوماندان نیرو های احتیاط و قوماندان جبهه لنینگراد، و جبهات غربی مقرر شد. بانام پر افتخار ژوکوف حوادث مهمی مانند دفاع مسکو، لنینگراد عملیات تعرضی متقابل در نواحی مسکوگره خورده است.

در اگست ۱۹٤۲ در یکی از لحظات دراماتیک جنگ، نیرو های فاشیست از دریای ولگا عبور نموده و بهستالینگراد وارد شدند. ژوکوف به صفت معاون اول ستاد قوماندانی عالی نظامی مقرر شد. (سر قوماندان عالی جوزف ستالین بود) همچنان به او وظیفه داده شد تا به ستالینگراد رفته و فعالیت های جبهات ستالینگراد را در لحظات دشوار انسجام بخشد.

او این وظیفه را به خوبی انجام داده و تحول بنیادی را در سر نوشت جنگ رونما ساخت. جنگ مشهور تانکها در مقوس کورسک، نبرد دنیپر وسکه، کارپاتسکیه، نبرد بلاروسیه، نبرد ویسلو، اودیر سکیه، و بالاخره عملیات نهایی جنگ جهانی دوم ((عملیات برلین)) را او تنظیم و در تحت رهبری او انجام شد.

اظهارات جنرال ایزنهاور در مورد ژوکوف خیلی دلچسپ است. او گفته است: ((من معتقد هستم که محصلین موسسات تعلیمات عالی نظامی ما حتماً عملیات مسکو، استالینگراد و برلین را مفصل مطالعه خواهند کرد. ژوکوف وسایر قوماندانان روسی مستحق لقب پر افتخار متخصصین کبیر امور نظامی می باشند))

از خاطرات مارشال الف ام. واسیلیفسکی:

من گیورگی ژوکوف را خوب میشناسم، هر دوی ما در تدوین و کاربرد، تعداد زیادی عملیات های نظامی ستراتیژیک مانند، عملیات مسکو، ستالینگراد کورسک، بلاروسیه وسایر مناطق مستقیماً شرکت داشتیم. هر دوی ما جبهات را رهبری می کردیم. ژوکوف در جریان جنگ پنج جبهه مختلف را رهبری می نمود. او در اگست سال ۱۹٤۲ که به صفت معاون ستاد قوماندانی عالی نیرو های مسلح اتحاد شوروی مقرر گردید، همیشه در جبهات نهایت پر مسوولیت ومهم اعزام میشد و هر دوی ما بحیث نماینده ستاد قوماندانی عالی به جبهات مهم شوروی ـ آلمان به خاطر انسجام فعالیت های جبهات سفر می کردیم.

در تمام مراحل جنگ در هنگام حل مسایل ستراتیژیکی، عملیاتی و سازماندهی، مارشال ژوکوف همیشه از خود اصولیت عالی، استعداد قوی درك وتحلیل اوضاع، استعداد تشخیص انکشاف حوادث، و تعیین دقیق وقت حمله بردشمن را نشان میداد. در زمان حل مسایل مهم او با خون سردی و محاسبه دقیق بر خورد می کرد. او انسان با شجاعت عالی و مبتکر بود من او را در لحظات دشوار و حتی بحرانی، هیچگاهی عصبی و تحت فشار نمی دیدم، بر عکس در چنین لحظات او خیلی فعال، دقیق و با پشتکار میشد.

در اکتوبر سال ۱۹٤۱ هنگامی که دشمن در پشت دروازه های مسکو قرار داشت بین ستالین و ژوکوف چنین صحبت جریان داشت ستالین پرسید: ((شما معتقد هستید که ما می توانیم مسکو را حفظ کنیم ـ من این سوال رابشما با احساس درد در وجدان خود مطرح می نمایم، شما صادقانه مانند کمونیست ها جواب بدهید.

در آن لحظه گیورگی ژوکوف جواب داد. بدون تردید مسکو را حفظ می کنیم. مگر برای حفظ مسکو دو قول اردو و دو صد تانك دیگر ضرورت است)).

در اینجا مستقیماً خصلت بخصوص قوماندانشوروی ژوکوف ظاهر می گردد که در شرایط دشوار قاطعیت و اعتقاد به نیروی قهرمانانه اردوو نیروی شکست ناپذیر مردم را از خودنشان میدهد. پیروزی در نواحی مسکو سر آغاز نابودی قطعی متجاوزین فاشیست بود.

از منابع ا.پی.ان
ترجمه انجیب الله







● تجلیل از پیروزی در میدان سرخ مسکو

● گیورگی ژوکوف مارشال اتحاد شوروی در مراسم امضای سند تسلیمی کامل وبدون قید و شرط آلمان نازی

● سربازان تسلیم شدهٔ نازی دربرلین

«کاتیوشه» وسایر سلاح ها

به مرکز فرماندهی ورماخت ((روسها بطریه جدید با تعداد غیر قابل تصور توپ ها را مورد استفاده قرار داده اند. مرمی های این توپ ها تخریبی آتش افزا بوده و تاثیر غیر عادی دارد. نیرو های ما که مورد حمله این بطریه های روسها قرار گرفته اند گزارش میدهند که: آتش این سلاح هاشباهت زیاد به رعد و برق دارد.))

این اولین آشنایی نیرو های فاشیستی با توپهای جدید اتحاد شوروی بود. توپ های جدید شوروی که نوع راکت های ریاکتیفی مشهور به نام ((کاتیوشه)) بود در اواسط جنگ مورد استفاده قرار گرفته و در اواخر جنگ جهانی دوم در حدود ٤۵ هزار از این نوع راکت ها در جبهات قرار داشتند. در تمام طول جنگ ((کاتیوشه)) برتری خود را منحیث بهترین سلاح حفظ کرده، و هیتلری ها تا ختم جنگ نه توانستندسلاح موثرومشابه به ((کاتیوشه)) تولید نمایند.

تولیدتسلیحات وتجهیزات اردوی سرخ درسال های جنگ جهانی دوم منظماًمکمل می گردید. علت پیروزی دراینزمینه همانا تجدید ساختمان صنایع شوروی به صنایع نظامی بوده که از همان آغاز حمله هیتلری ها به اتحاد شوروی شروع گردید.

نیرو های هوایی:

صنایع نظامی اتحاد شوروی به طور اوسط طی سالهای جنگ سالانه ۲۷۰۰۷ فروند طیاره تولید کرده است. صنایع آلمان فاشیست در این مدت سالانه ۱۹۷۲۵ فروند طیاره تولید می نمود.

مبارزه به خاطر ارتقاء سطح کمیت و کیفیت تولید طیارات و همچنان مبارزه به خاطر حصول تفوق نظامی در فضا در تمام طول جنگ جریان داشت. تولیدات متوسط ماهانه طیارات اتحاد شوروی در نیمه‌دوم سال ۱۹٤۱ مجموعاً ۱۶۳۰ فروند طیاره را تشکیل میداد. در سال ۱۹٤۲ ـ این رقم تا ۲۱۲۰ درسال ۱۹٤۳ تا۲۹۰۷ در سال ۱۹٤٤ تا رقم۳۳۵۵ فروند طیاره بالا رفت ولی با ختم جنگ درسال ۱۹٤۵ رقم مذکور تا ۲۲۰٦ فروند پائین آمد.

همزمان با افزایش سطح تولیدات، پروسه عصری سازی طیارات شوروی نیز جریان داشت. در سال های جنگ صنایع اتحاد شوروی ۲۵ نوع طیارات جدید (به شمول طیارات عصری و پیشرفته) و ۲۳ نوع جدید انجن طیارات را تولید نموده است.

صنایع طیاره سازی آلمان در این مدت صرف یك نوع طیاره جدید اف بی ـ ۱۹۰ را تولید وچندین بار طیارات نوع ام. ای ۱۰۹ و ((یو ـ ۸۸)) خودرا عصری تر ساخت.

تانکها:

صنایع نظامی اتحاد شوروی درسال های جنگ به طور متوسط سالانه ۲۳۷۷٤ عراده تانك وتوپ خانه سیار تولید نموده است. دراین مدت صنایع نظامی آلمان صرف ۱۳٤۵۰ عراده تانك و توپخانه سیار تولید نموده است.

تانك ها و وسایل زرهی صنایع نظامی اتحاد شوروی درسال های جنگ در اثر توجه و پشتکار دانشمندان ومتخصصین اتحاد شوروی با استفاده از تکنالوژی جدید بیشتر مدرن گردیده و کیفیت آن ارتقاء داده شده، این تکنالوژی در آن زمان کاملا جدید بوده و جای ولدنگ دستی را ولدنگ اتومات گرفت (این شیوه را اکادمیسن تی. پاتون طرح نمود). در این سالها عوض ریخته گری و هموار کاری پرزه های تانك وسیعاً از شیوه های قالب کاری و طریقه های حرارتی با فریکانسی بلند استفاده می گردید. به طور مثال قله تانك که تکنالوژی خیلی مغلق دارد به طریق قالب گیری تهیه می شد، این نخستین تجربه در جهان بود.

در نیمه دوم سال ۱۹٤۲ صنایع تانك سازی اتحاد شوروی از صنایع تانك سازی آلمان سبقت جست. در مورد کیفیت تانك های اتحاد شوروی کافیست تذکار جنرال های آلمان فاشیست را در مورد تانك ((تی ـ ۳٤)) مثال آورد.

جنرال گودریان در این مورد نوشته است: ((...روس ها نوع جدید تانك تی ـ ۳٤ را تولید و در جبهات ازآن استفاده می نمایند. این تانك ها به مراتب از نظر مانور حرکت، ضخامت زره و توپ خود از تانك های آلمان بهتر می باشند)).

نیرو های توپچی:

به طور متوسط صنایع نظامی اتحاد شوروی در سالهای جنگ سالانه ۱۳۳۹۰۰ توپ و هاوان تولید کرده است. در حالیکه صنایع آلمان به طور متوسط در این سال ها صرف ٤۲۵۰۰ توپ وهاوان تولید نموده است.

قابل تذکر است که سه چهارم نوع سیستم توپ های جدید که در تسلیحات اردوی سرخ قرارداشت در سال های جنگ توسط صنایع نظامی شوروی طرح، کشف و ساخته شده است دراین سال ها توپ های اتومات تولید گردید که از نظر قدرت خود این توپ ها پنج مراتبه قوی تر از توپ های قبل اززمان جنگ بود.

درسال های جنگ هر سال در آتش نیروهای توپچی افزایش رونما می گردید. اگر در عملیات های تعرضی سال های ۱۹٤۱ ـ ۱۹٤۲ برای هر کیلو متر ساحه جنگ، ۷۰ ـ ۸۰ میل توپ، هاوان، ماشین های محاربوی، و راکت های ریاکتیفی میرسید، در سال ۱۹٤۳ این رقم تا ۱۳۰ـ ۲۰۰ میل درسال ۱۹٤۵ این رقم تا ۲۵۰ ـ ۳۰۰ میل بالا رفت.

هیتلر در اواسط اکتوبر سال ۱۹٤۱ در هنگام حمله فاشیست ها به مسکو در مورد تقرب نیرو های خود چنین اعتراف کرد: ((ما ۲۲ جون دروازه های مسکو را باز کردیم ولی نمیدانستیم که در پشت دروازه ها مردم قرار دارند.))

هیتلر بعد از این اعتراف اجباری در نوامبر سال۱۹٤۳ در یکی از صحبت های خود با جنرال ایدل یکی ازرهبران ورماخت اعلان نمود: ((در نتیجه حملات ما درسر زمین مجهول و پهناور روسها، ما متوجه شدیم که حریف ما نه تنها از نیروی عظیم بشری بر خوردار است، بلکه به تخنیك صنایع نظامی که ما را به دوام جنگ عمومی مجبور گردانید دست رسی کامل دارند. این موضوع برای ما عامل تعیین کننده می باشد)).

از منابع ا.پی.ان

دوستان همرزم

۴۰

مرز ها میتوانند کشور ها را از هم جدا نمایند امانمی توانند انسان ها و ایدیالهای بزرگ آنان را از هم جدا نمایند . وقتی انسانی از کوهستان های افغانستان وانسان دیگری از سرزمین پهناور شوروی به خاطر سعادت بشریت در سنگر واحدی قرار می گیرند وبه رزم عادلانه واحدی فرا خوانده میشوند ، این حقیقت نیرومند را با تمام وسعت آن میتوان دریافت .

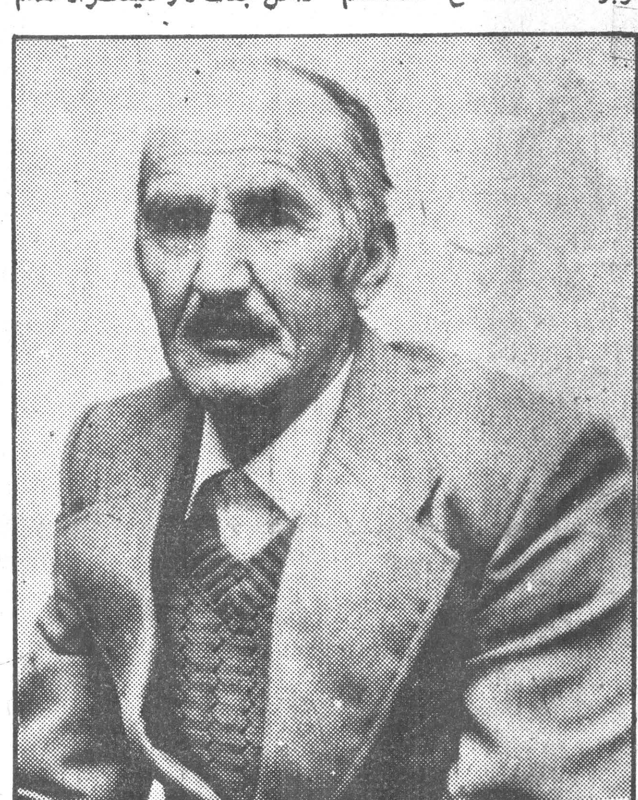
بگذار همیشه صلح باشد

«بنی آدم اعضای یکدیگرند
که در آفرینش زیک گوهرند
چوعضوی بدرد آورد روزگار
دگرعضو ها را نماند قرار
توکز محنت دیگران بی‌غمی
نشاید که‌نامت نهند آدمی»

((این پارچه شعر را زیاد دوست دارم. این مفکورهٔ بشر دوستی است، اگر همهٔ این مفکوره راداشته باشند، آرامی، کارو خوشبختی برای کل مردم بوجود می‌آید. اگر انسان غم انسان را بخورد بخاطر خوشبختی نسل هائی آینده تلاش بکند. زندگی بهشت می شود)). این‌سخنان از آن پیر مردی است که بعد از مدتها جستجو عاقبت او را یافتیم .

جریان بدین قرار بودکه میخواستم برای چهلمین سالگرد پیروزی برفاشیزم مطلبی بنویسم . یکی از همکارانم گفت چرا مطلب زنده تهیه نمی کنی . چرا بایکی ازکسانی که دربیشتر جبهات جنگ اشتراک کرده صحبت نمی کنی . کارگر پیری‌در ولایت بدخشان‌زندگی میکند که سالها در جبهات جنگ دوم جهانی‌بوده ، در مسکو ، در لنینگراد ، جنگ کرده و تا نزدیك برلین پیش‌رفته است. اگر او راپیدا کنی مطلب دلچسپی برای توقصه خواهد کرد . از همان روز هااقدام کردم . بعد از مدتها جستجو او را یافتم وحال‌اوکه برابرم نشسته است. نام او سعید (پریشا) است .از سر زمین‌زیبای بدخشان مردی ٦٥ساله باقدی متوسط و چهره ای‌که زمان جای پای خودرابصورت چین ها و چروك های عمیق درآن بجا گذاشته است ، چشم های مهربان و عمیق اوکه برق روشنی از آن ساطع می‌شود واو راجوان‌تر نشان میدهد . لباسهای بسیار ساده و پاك اوحکایت از نظم و دقت میکند . ارزندگیش می پرسم ، میگوید : «زندگی من بسیار به سختی تیرشده است .

٦ماهه بودم که «قبله‌گاهم»از بین رفت، ٤ برادر بودیم ، برادر ها یم همراه کاکا یم دهقانی میکردند . من برادر خورد بودم. برادر ها یم میگفتند من هوشیار بچه هستم باید مکتب بروم و درس بخوانم ، اماکاکا یم اجازه نمیداد و میگفت نباید مکتب بخوانی مکتب تورا کافر میکند . مرا بکار چوپانی فرستادند. روز ها یم تک و تنها درکوه ها و دره ها تیر میشد، دلم میخواست مکتب بخوانم، چند کاکای دیگر داشتم که‌در آنطرف سر حددر اتحاد شوروی زندگی میکردند. شنیده بودم که شوروی‌بسیار خوب جای است . انقلاب‌شده مردم ازبد بختی نجات یافته اند. دیگر مثل زمان قبل از انقلاب کسی زیر پلها خواب نمیکند. برای آنها فرق نمیکند که این مسلمان است، هندو است، حبشی‌است.آنها کل انسانها را که زحمت میکشند بیك چشم نگاه میکنند. برای اطفالی که والدین خود را از دست داده اند پرورشگاه ها ساخته‌اند که‌درآن اطفال هم زندگی میکنند و هم درس میخوانند در فکر این بودم که بروم شوروی درس بخوانم ، پس رفتیم آنطرف سر حد، خانهٔ کاکای خود . اما ٦ماه نگذشته بود که جنگ شروع شد دراین شش ماه من علاقهٔ زیادی به‌مردم‌زحمتکش‌وشریف شوروی ،به مفکورهٔ لنین پیدا کرده بودم . او انسان شریفی بود که انقلاب اکتبر را پیروز کرده بود . بشر دوست بود . به خاطر انسانهای زحمتکش مبارزه کرده و جامعهٔ سوسیالیستی را بوجود آورده بود . و وقتي جنگ شروع شد وقتي‌شنیدم که فاشیست ها بالای‌شوروی حمله آورده اند و هدفشان این‌است که‌اولین حکومت کارگری را از بین ببرند و سرمایه دار ها را باردیگر سر کار بیاورند ، خونم به جوش‌آمد . داوطلبانه‌عریضه کردم که‌به جنگ بروم . من درخواست کردم که مرا بعنوان یك دهقان جوان زحمتکش که انقلاب اکتبر چشمهای او را باز کرده است به جبهه روان کنندو اجازه‌بدهند که از حکومتی‌که به‌تمام زحمتکشان جهان مربوط است دفاع کنم



عریضه ام قبول شد . رفتم به سمر قند و شش ماه آنجا تعلیم دیدم ، ٦ ماه در قفقاز تعلیم دیدیم و داخل جنگ در مسکو شدیم. جنگ عجیبی بود .همه با چنگ و دندان‌از شهردفاع میکردند . من حال که به‌یاد آن روز ها می افتم بی اختیار اشك در چشمهایم جاری میشود . شما نمیتوانید تصور کنید که چطور مادران با دست خود فرزندان شان را به جبهه روان می کردند. شما نمیتوانید تصور کنیدکه چطور سربازان‌جوان شوروی مرمی میخوردند ، زخمی میشدند اما حاضر نبودند جبهه را ترك کنند.یك روز سرباز جوانی در کنار من‌شهید شد . او در وقت افتادن بزمین یك مشت خاك بر داشتو در برابر بینی خود گرفت ،نفسی عمیق کشیده وچشمهای آبی خودرا باآسمان دوخت و لبخندی زد وفقط یك کلمه گفت : «ما پیروز می شویم» آنها به چنین روحیه‌ای جنگ میکردند . من گلوله‌خوردم گلوله در بغلم خورد و بالای شانه ام پرید. چند ماه در همان کورسك ابلسك بستری بودم مرا بردند در سیبریا ، جور شدم. نمیدانید چه مهربانی هابا من میکردند.آنها درجنگ هم بسیار مهربان بودند. من دیدم که چطور مفکورهٔ بشر دوستی در وجود شان پیش رفته است در حالیکه‌میلیونها نفر از مردم شوروی بدست فاشیست ها کشته میشدند ، اما آنها با اسیران بسیار خوب رویه داشتند . آنها میگفتند که ما جنگ میکنیم که دیگر جنگ نباشد ، ما میخواهیم ریشهٔ فاشیزم را ازبیخ قطع کنیم ، تا دیگر مادران در عزای فرزندان خود ننشینند و همسران جوان چشم براه شوهرانشان نمانند . آنجا جبهه های جنگ برای من مکتب بود. من افتخار می کردم که در راه این انسانهای شریف، درراه‌کشور سوسیالیستی شهید شوم . من آرام آرام مفکورهٔ انترناسیونالیسم را درك میکردم . میگفتند تو باید استراحت کنی تا خوب جور شوی . اما مگر میشد که‌جنگ باشد تداوم داشته باشد و من استراحت کنم این روحیه کل سربازان شوروی بود . بعضي از آنها مخفیانه از شفاخانه فرار میکردند و به جبهه میرفتند. آنها انسانهای بزرگی بودند که بخاطر زندگی، زندگی خودرا فدا میساختند .

من دو باره به جبهه‌آمدم ، داخل جنگ در لنینگراد شدم شما حتما داستان محاصرهٔ لنینگراد را شنیده اید .

واقعا افسانه‌است.نمیشود این مردمان را توصیف کرد، با گرسنگی ، خنك بی لباسی،میساختند امایك لحظه دشمن را آرام نمی ماندند. مردم لنینگراد قبل از آنکه از طریق توپ مرمی وتانك بر فاشیست ها پیروز شوند با ارادهٔ قوی و ایمان خودآنها را به‌زانو در آوردند. سالها ازآن روز ها میگذرد ، اما من وقتی سختی آن روز ها را بخاطر می آورم تمام مشکلات امروز انقلاب‌درنظرم ساده وآسان می آید . مردم واقعا با جان خود آزادی لنینگراد را گرفتند . آنجا حتی کودکان‌هم‌جنگ‌میکردند چه ایمانی بود ، بشر چه موجود عجیب و دلچسپی است . مردم شب سر خودرا بالای خشت خالی میگذاشتند و خواب میکردند و سرمای گرما نمی شناختند . فقط یك چیز را میدانستند که فاشیست ها نباید پایشان‌به لنینگراد برسد و سر انجام نیز فاشیست ها در پای همان دروازهٔ لنینگراد از پای در آمدند و اسیر و مغلوب از سرکهای لنینگراد تیر شدند . من همانجا باز گلوله خوردم در ران من سه گلوله خورد . با زآمدم در شفا خانه آنجا پدر و مادر آنقدر زحمت نمیکشند که دختر ها در حق ما زحمت کشیدند ، دستم را میگرفتند در باغ شفاخانه میبردند. برایم قصه میگردند ومن برایشان از بدخشان ، ازکوه های‌سر به فلك کشیده از دریای خروشان((کوکچه)) قصه میکردم . برای سربازان مجروح ازسختی روزهای کودکی میگفتم از اینکه چطور مفکورهٔ لنین کبیر مرا تحت تاثیرخود گرفت برای آنها بسیار دلچسپ بود که‌من از افغانستان در جنگ‌اشتراك کرده بودم . اما من به آنها همان گفتهٔ خودشان را میگفتم که تمام کارگران جهان در برابر سرمایه داران‌یك تن‌واحد هستند . من هم زحمتکش بودم ، کشور سوسیالیستي شوروی‌چشم های مراباز کرده بود من دیگر خودم را مربوط به کل زحمتکشان میدانستم . آنجا بسیار خوب تداوی کردند . جور شدم و پس رفتم در ((استونیا)) باز مارا دور دادند رفتیم ((لیتونیا))بعدبه بیلا روسی و بعد رفتیم به پولند . در آنجا بازگلوله خوردم . در سرم خورد کلاه آهنی را سوراخ کرد و یکی دیگر بالای دستم خورداماهیچ احساس نکردم چرا که‌از قهرمانی خوش بودیم، فکر میکردم اگر مردم‌درتاریخ می مانم. یك گور میکنند یك تخته سنگ خوب ، بالای آن می مانند و مینویسند، سعید پریشا از افغانستان که در راه دفاع از کشور سوسیالیستی شوروی شهیدشد.این‌افتخار بودافتخار بود که سربازی ازافغانستان درکنار سربازی ازشوروی به‌خاطر یك مفکوره ، یك هدف و درمبارزه با فاشیست ها شهید شده بودند . این افکار مرا تحت تاثیر می آورد طوری که هر سه بار زخمی شدم اصلا هیچ احساس نکردم من درمیان پدر ، خواهر، برادر و مادران خود بودم . وقتی که باز به شفاخانه رفتم با وجود یکه‌مواد‌خوراکه کم یافت بود اما این مردم مهربان برای ما تحفه‌میآوردند میوه می آوردند . بالای سرما می نشستند ومادرواری وپدرواری مارا نوازش‌میکردند من هنوز گرمی و محبت آن دستهای مهربان را فراموش نکرده‌ام. مادرانی بودند که بچه هایشان در جنگ‌شهید شده بودند . اما آنهامیگفتند که‌خدا راشکر که شما ها زنده مانده‌اید .تمام جوانان درحکم اولاد های ما هستند و واقعاً هم مثل یك مادر از ما مواظبت میکردند . فکرمیکردم که‌چه خوب خواهد بود اگر روزی دنیا سوسیالیستی شود. مردم اینقدر نسبت بهم‌مهربان باشند ، همه جا صلح باشد ، آرام می باشد، انسانها برادروار درکنار هم کار کنند و خوشبخت زندگی نمایند.همانجا بود که تصمیم گرفتم جنگ که تمام شد به کشور خود برگردم و تا عمر دارم‌بخاطر صلح و سوسیالیسم این مفکوره بشر دوستانه‌مبارزه کنم . بعد گفتند که تو سه بارزخمی شده ای ، دیگرنباید جبهه بروی . اما من قبول نکردم آنقدر درخواست‌کردم که دو باره مرا روان کردند به جبههٔ دریای (آدر). بعد از خشکه‌ها ازدریا تیرشدیم . اگر بخواهم خاطرات همین تیر شدن از دریا را تعریف کنم بسیار زیاد میشود .سربازانی بودند که سینهٔ خود را در مقابل مرمی ها سپر کردند تا دیگران بتوانند به‌پیش بروند مین یابمب در پشتشان بسته میکردند زیر تانك دشمن میرفتند وآن را منفجر میساختند . من بسیار تانکهای تخریب شدهٔ دشمن را دیدم که جسم توته توته شدهٔ سرباز شوروی در کنار آن

(ص٦)

صدای زمین

از جانب «زدی» میان دره ها نسیم ملایمی می وزید ، رودسرکش دره نعره میکشید، بوی معطر گل و گیاهان عطر آگین «ورزاب» را امواج سرکش رود باخود یکجا نموده و به پایین ها به جانب دهات و تفریحگاه ها می آورد . «ورزاب» پر بود از کسانی که برای گردش و تفریح آمده بودند . گروهی بالای قالین مخملین طبیعت ـ سبزه ، عدهٔ بالای سنگ‌های کنار ساحل و عدهٔ دیگری در کنار میز های رستورانت های «نسیم کوهسار» و «چار سده» نشسته ، چای گوارای سبزرا بانان‌شیرمال وقیماق نوش جان میکردند . از طبیعت لذت‌برده و رفع خستگی مینمودند .

تالار مهمان خانه «نسیم کوهسار» پر از هیاهوی جمعیت بود . اگر کسی ازدور به آن نزدیك میشد از صدا های گوناگون شگفت زده می گردید .مرد ها وزن هابالحان گوناگون میگفتندو می خندیدند ـ یکی باآلماني ، دیگری به روسي ، سومی به انگلیسی یا اسپانوی سخن میراندند .

آسیه آهسته به تالارنزدیك شد و چون در بین جمع اکادمیك علوم تاجیکستان دانشمند نامور جیولوجی رؤف برا توف رادید ، احساس کرد که همه مهمانان اشتراك کنندگان در سیمینار بین ـ المللی دانشمندان اند.آسیه زینه های زمرد ین رستورانت راکه از آب رود می درخشید، به پشت سر گذاشته و به صحن رستورانت داخل‌شد وبه میز های پر از غذا های لذید و آشامیدنی های پر نشاط نظر میکرد و از جمع شخص مورد نظر ش رانیافت .

ـالکسی پطروویچ را ندیدید ؟، ـ به زبان انگلیسی از زن تخمیناً پنجاه وپنج ساله که چشم از رود سرکش بر نمی داشت ، پرسید .

ـدید کوف را ؟ ، همان مو سفید زنده دل را دیده اید؟ ـ او از جابر خاسته ، همراه آسیه در کنار تخت چوبین آمد . ـ ها آنجا ست دیدید ! ما باآنکه بالا پوش داریم باز هم سرد مان میشود . اماا‌و را ببینید که مثل جوانان بالای صخره میان دریا نشسته و کتاب میخواند

آسیه ادامهٔ سخن پیره زن دانشمند را نه شنیده وپایین دوید. استاد و شاگرد در ساحل «ورزاب» قدم‌میزدند. صحبت شان طولانی بود . ولی الکسی پطرو ویچ رابیشتر طبیعت دست نخورده ای تاجیکستان به خود معطوف نموده بود .

ـدانشمندان خو بی‌دارید، آسیه، هم در علوم طبیعی و هم در جامعه شناسی . می خواهم مثل آنها دانشمند شوی . ضمناً اکنون زبان تکلمت کدام است ؟

ـتا جیکی استاد ،تاتاری وزبان های دیگری اروپایی هم زیاد بدردم میخورد .ولی به آلمانی نوشته نمیتوانم.فکر میکنم که تنها مکتب شمابرای من‌کافی نیست ، باید کورس میگرفتم ...

ـمکتب من ... مکتب نسل ما دیگر بود ، آسیه جان ،فکر تو درست است .... چنین ادامه داد و خاموش شد .

در بیراههٔ ساحل ریگی «ورزاب» ، گاه از صخره‌ها گذشته و زمانی بوته هارا به دو جانب کنار زده و راه را باز کرده و دونفری قدم می زدند ـ یکی مرد مسن تخمیناً شصت ـ شصت وپنج ساله و دیگری دختری‌باریك اندام بیست ـ بیست و دو ساله. باد سرد خزان موهای سر آنها را نوازش میکرد و چشم بینند رنگ سفید و سیاه آنها را به خوبی ازهم تمیز میکرد .

ـراست میگویی دخترم، آنزمان ها گذشت ،گرچه این طور فکر میکنم که دیروز بود ، مرد سر سفید گویادر زیرلب با خود سخن میراند. او خاموش شد . آسیه هم چیزی نمی گفت ، عادت استادش را می دانست . احساس میکرد که او حالاغرق در افکار گذشته‌خود می‌باشد.

روز های جشن بیستمین سالگرد پیروزی مردم‌شوروی بر فاشیزم هیتلری، اوازچهار کشور دعوتنامه گرفت . می بایست به بخارست، ویاناو بوداپست و پراگ میرفت. الکسی پتروویچ پراگ رابرای مسافرت انتخاب نمود. این انتخاب‌دلیلی داشت .

* * *

الکسی و ستیپان درآموزشگاه توپچی شهر «پنزا» باهم آشنا شدند . ستیپان نیز مانند الکسی چند روزقبل از آغاز جنگ مکتب‌متوسطه را ختم کرده بود ،ولی زبان آلمانی را خوب میدانست .

ـاین لسان به کار می‌آید، به من یاد بده ، ـ الکسی خواهش نمود .

ـبه شرطی که هدف‌گیری باتوپ رابه من یاد دهی، تو آخر به مانند گوش زمین هستی و،همه چیز را میدانی.

ـاز این تعریف الکسی شرمنده شده و چیزی‌نگفت. وقتیکه از خاك مالدا و یاعبور میکردند ،و قتی «دنیپر» و «پروت» را پشت سر می گذاشتند ، و قتی از«بودا» و «پست» میگذشتند ، آنها همراه همدیگر بودند. فرقه دوم اوکرائینی ها که هر دو رفیق قوماندان توپ بودند ، فرمان گرفت که‌در ساحل مقابل «دونای» چند استحکامات پنهانی ایجاد کنند .

ـستیپان گفت : بهتر از ما انتخاب کرده نمیتوانستند! این سخن راو قتی او گفت‌که در حضور قوماندان عمومی، افسران جمع گردیده‌بودند.

ـقوماندان عمو می به کدام سبب میگویید ؟

ـستیپان : دیدکوف‌نبض زمین را میداند ، من‌زبان آلمانی را خوب میدانم، او هم یاد گرفته است .

ـ قوماندان عمومی :

خود نمایی نکن ! تو به فرمان الکسی باش!عرشه‌های چوبی به ساعت ٢شب به دریا داخل گردیدند ،ازسر بازآنان چندین نفر را انتخاب کنید، به جای خود قوماندانان‌را تعیین‌نمایید . پس بروید !

آنها به ساحل بدون‌تلفات رسیدند . توپ خورد شانرا در جنگل برده ، سه نفر رابه پاسبانی گذاشتند ، خودزمین شناس برای اکتشاف رفت تپهٔ را یافتند که تقریبا پنجاه متر پایین تر از آن راهرو باریکی بود . و قتی‌که سنگر ها کنده وسلاح هاجای‌به جا شد ، ستیپان خریطه‌اش راگشود .

ـستیپان :نانم دو روز از حساب شما ! چشمکی‌زده و لباس سفری سرباز آلمانی را از خریطه بر آورد. یونیفورم آلمانی اش را صاف نمود . وقتیکه بالای لباس بالاپوش مستعمل آلمانی مي پوشید ، پرسید.:

می زیبد ؟

ـالکسی ، اگر درون آن تو نمی بودی تیری به‌مغزت خالی میکردم .

بعد از یکی دو ساعت ستیپان به راه افتاد . چندقدم به چپ گذاشت و اشپلاق زنان به طرف راست دور خورد و روان شد .از جانب مقابل نیز صدای اشپلاقی‌به گوشش رسید ، ستیپان از تجاربش استفاده کرده، با میله مسلسلش آهنگی را می نواخت و چند قدم دیگر پیش رفت ، با آواز گرفته صداکرد:

ـدستها بالا ! فیر میکنم.

سرباز آلمانی که در این سپیده دم و در چنین محلی شنیدن صدای آمرانه‌سرباز خودی را انتظار نداشت،مات ومبهوت شد، لحظه بی‌حرکت ایستاد ،ولی زود به خودآمد، دست به ماشه مسلسلش برد .

ـنزدیك بیا ، تو در مرز بیگانه چه میکنی ؟،ـسرباز از آلمانی پرسید .

ـمرز بیگانه نیست، اونه تا آنطرف ها در اختیار م هست .

ـستیپان ، تو شب کوری داری ! پیش بیا ! پاسبانان دیگر در کجا اند ؟

این طرز صحبت سرباز آلمانی را بیشتر معتمد ساخت . اوپرسید :

ـ ترا چه وقت این جا فرستاده اند ؟ از کدام جزو تام هستی ؟

ـستیپان ،ما هردو پشتیبان «رایش» هستیم به جزو تام من چکار داری ؟ یا؟

ـسرباز آلمانی ، خدانکند! خیر بیا قدم میزنیم،از ترس این چریك و نشان زن های روس آدم از گشت‌و گذار تنها میترسد .

چندی با هم این طرف وآن طرف قدم زدند. بعد ستیپان رفیق اش را دعوت کرد که همراه او به قرارگاهش بروند و گرم شوند . در آنجا ستیپان زیاد سخن نگفت .

ـمعذرت میخواهم لعنتی!، حالا نه پاسبانان داریم نه‌جایی که ترا پنهان کنم . از این سبب ترا به جهنم می‌فرستم .

شبی دیگر نیز آنها به همین طریق شکار کردند ، شکارشان خوب‌بود ،تنهاتفاوتش در این بود که گیر افتادگان را خود الکسی‌مورد باز پرس قرار میداد. ستیپان وقت نداشت ، اوبه چهار طرف خودنگاه میکردومیرفت، سر در کف باپاسبانان‌دشمن «صحبت های رفیقانه‌میکرد»، دیده هاو شنیده هایش را به الکسی قصه میکرد ، نقشه‌می کشیدند و آن طرف برای سربازان انتقال میدادند .

بعد از دو روز عساکر شوروی از «دونای» گذشت . الکسی و ستیپان همسربازان خود را یافته و با قشون پیروزمند به پیش حرکت کردند . اگرچه این راه در سال ٤٣ آغاز گردید وبسی طولانی و فراموش ناشدنی است ...

* * *

پس از پذیرایی گرم دانشمندان پوهنتون پراگ از مهمانان شوروی قهرمانان جنگ بزرگ میهنی، کسانیکه بامردم چکوسلواکی دوش‌به دوش علیه فاشیزم هتلری جنگیدند وآن را از زیر یوغ اسارت فاشیزم آزاد ساختند ،خواهش نمودند که نقشه سیاحت شانرا مشخص سازند .

یکی از مهمانان چنین گفت :

ـاگر امکان داشته باشد حالا به قبرستان «برادری» برویم .

کسی از میزبانان معذرت خواست .

ـاین پروگرام فردای ماست . روز پیروزی برای گل گذاری خواهیم رفت .

مهمان گفت :

ـمن ملاقات فوق العاده دارم ، باید ،با ستیپان صحبت کنم .

کسی چیزی نگفت ، همه حاضرین انسانهای جنگ دیده و لذت و تلخی دنیا را چشیده بودند .

نشانه ها، سنگ قبر های مرمرین ،کبریایی ، زمردین. بالای سر همه صلیبی نمایان است . فضای آرام ، فقطاز دور دست ها بانگی به گوش میرسد ، آنرا نمیتوان فرق کرد، گاهی به موسیقی شبیه میشه وزمانی به صدای با عظمت انسان . شخصی‌ازمیان سنگ قبر ها بی آزار قدم گذاشت و به سوی کاخ مرمرین باشکوه یادگاری قهرمانان می آید . او به‌چشم عینك گذاشته از میان هزاران نام، اسمی راکه به‌قلب و دلش نزدیك است می جوید .

ـاو میگوید ببخش‌ستیپان، تو میخواستی زمین منطقه «کوی بیشوم» راتجسس‌کنی به صدای زمین گوش دهی، از آثار قشر زمین آگاه باشی، نه توانستی ، به انجام جنگ چند روز مانده بود که‌قربانی یك تیر نامردی شدی !نی‌نی، آن تیر مردی نبود ، ازپیکان دشمن رهاشده بود ، بخاطر آرمان تو خصم را در هم کوفتیم ، به خاطرتودر فضای آزادکنار «والگاه» پهن دامن کاخ عظیمی یادگاری را بناء نهادیم ... ـ الکسی با انگشت اشارت قطرات‌اشکی به رخسار چکیده اش را به پای مرقد پاشید ، اشك خطی مارپیچی راکشیدو لحظهٔ پس ناپدید شد ... این طور برادر ، اشك انسان لحظه وبست ، زود می‌خشکد، ولی باور کن یاد ما استوار است ، آن سالها و آن روز ها رایك لحظه هم فراموش نخواهم کرد ...

پیترسیمیو نو یچ ونینا ـ سرگی یفنا بعد از یك و نیم سال خاتمه جنگ ، الکسی‌را استقبال کردند . روی‌سینهٔ پهن فرزند آنها رانشان های افتخاری جنگ آزین بسته بود ، روزیکه وی به‌«سیزرن» آمد ، شادی بزرگی برپا گردید . از فابریکه ماشین سازی همکاران پدر وما در وخود الکسی ، از دهکدهٔ دیدکو وای ولایت«بریلنسك» دهاتی ها آمده بودند . افسر جوان بیست و یك ساله‌همه میخواستند اورا در کنارخود برای همیشه ببینند. اما الکسی سخنی دیگری داشت. او گفت :

ـماشین ساز هم بودم

(ص٦)

۴۰ دوستان همرزم

بگذار همیشه صلح باشد

(بقیه صفحه ۵)

قرار داشت. امروز شاید خیلی از جوانان ندانند که آرامی وسعادت امروز شان به چه قیمت سنگین بدست آمده است.

جوانان ی همسن آنها چطور شب از شب و روز از روز نشناختند و بسیار شان شهید شدند تا صلح درجهان بر قرار گردد. از دریا تیر شدیم رفتیم در ((کیزنبرک)) که دومین شهر بعد از برلین است، بعداً رفتیم به ((لسویا)) ((تارتو)) تا شش کیلو متری برلین ـ٦ کیلو متر به برلین مانده بود که جنگ دوم خلاص شد. یک هفته جشن گرفته بودیم همه از خوشحالی گریه میکردند. همه جا خنده وشادی بود کسانی که آن جنگ لعنتی را دیده بودند. جنگ کرده بودند و پیش چشمهای شان بهترین رفقایشان شهید شده بودند میتوانستند قدر این پیروزی را بهتر درک کنند. هر کس آرزویی میکرد اما همه‌یک آرزوی مشترک داشتند. خدایا دیگر هیچوقت جنگ نباشد دیگر هیچوقت دیوانه ای مثل هیتلرفاشیست جهان را نا آرام نسازد. کودکان دیگر بدون پدر، مادر، خواهر، برادر با چشمهای غمگین در سر کها آواره‌وسرگردان نباشند. جنگ برای همیشه گم شود. صلح و صفا درجهان حاکم باشد

من بسیار خاطرات از این روز ها دارم. از روزهای شاد پیروزی از روز های تلخ ولی حماسی، لنینگراد از روزهایی که دشمن سخت بالای سر ما فشار می‌آورد. جلوی چشم ما کودکان و پیر مردان و پیر زنان از گرسنگی و سرما تلف میشدند. در آن روزها ما خون گریه‌میکردیم، اما تسلیم نمی شدیم. ما مبارزه میکردیم، سرود میخواندیم. من هنوز هم وقتی که زندگی فشار می‌آورد به یاد آن روزها و آن سرود ها می افتم.)) خواهش میکنم که یکی از این سرودهارابرای من بخوانید؟ لحظه ای فکر میکند، چشمهای روشن خودرا از کلکین بدور دست میدوزد. از دشتها و ازکوه های سر به فلک کشیده عبور میدهد واز بالای زمان میگذرد ودر کنار رود «نوا» دو کنار لنینگراد قهرمان فرود می آید وآرام آرام سرودی را بروسی زمزمه میکند:

به پیش به پیش بسوی لنینگراد
نگذارکه دشمن استراحت کند
بسوی دشمن با قنداق،
بابمب‌های دستی
به پیش!

چشمهایش را اشک پر کرده است. دستهای لاغر و چروکیدهٔ خود را روی زانوانش می کوبدودرچشمهایم خیره میشود. میگوید: «هیتلر میگفت من باید عقاب واری کرهٔ زمین را در چنگال خود داشته باشم، میگفت ماچای صبح را در مسکو میخوریم و چاشت رادر لندن. نان شب را درواشنگتن. اما این دیوانهٔ بد بخت مردم شوروی را نمی شناخت. مردم شوروی شجاع مردم است. ناپلیون هم بالای اینها حمله کرد. جنگ اول جهانی هم سر اینها حمله آوردند، اما کامیاب نشدند، مگر میشود مردمی را که طعم آزادی را چشیده اند شکست داد. آنجا حکومت کارگری است. حکومت انترناسیونالیستی است. من بشر دوستی و صلح خواهی کشور شوروی را از نزدیک دیده‌ام. من بخاطر همین مفکوره های انسانی در جنگ آنها اشتراک داشتم من‌میخواستم به وظیفهٔ انترناسیونالیستی خود عمل کنم. یک افتخار برای کشور خود بیاورم بمردم خود خدمت کنم. شکست فاشیست ها خدمت به کل مردم دنیابود. ما در شوروی یاد گرفتیم که باید انترناسیونالیست در عمل باشیم. خود دولت شوروی رانگاه کنید. اینها در همه جابه کمک مردم زحمتکش و ستمدیده میروند. همین امروز در کشور ما از منافع دهقان، کارگر، مردم غریب در برابر امپریالیزم امریکا، سرمایه داران، فیودالها دفاع میکنند. این اعتقاد شان هست. در جنگ دوم جهانی هم از تمام کشورهایی که فاشیست ها بالای آنها حمله کرده بودند، دفاع نمودند. میلیونها سرباز شوروی بخاطر آزادی مردم پولند، بلغاریا، چکوسلواکیا، هنگری، جرمنی و دیگر کشور های اروپا جان خود را از دست‌دادند. دراین جنگ ۲۰ میلیون نفر شهید شدند مادرها بی بچه شدند، زنها بی شوهر شدند، تاجنگ نباشد، صلح باشد. مردم‌دنیا مثل‌یک برادر باشد. اماحالا امریکا میخواهد راکت‌هارادر فضا جابجای کند. در خود اروپا مستقر میکند. میخواهد کل بنی بشر را محو کند. اگر اینها استعمال شوند درکرهٔ زمین آدم می ماند؟ اینطریقهٔ فاشیست هاست، شوروی به‌چشم خود دیده است که جنگ چه فجایعی را ببار می آورد. آن ها یک متل دارند که میگویند ((کسی که ندیده است می بیند و کسی دیده است فراموش نمی کند. وامروزمادیده ایم و فراموش نمیکنیم. از مردم جهان به عنوان یک سرباز جنگ، یک پیر سر سفید میخواهم که دست‌بدست هم بدهند و نگذارند که یک دیوانهٔ دیگر یک امپریالیست دیگر جهان را محو و نابود کند. هرکس دوست دارد با اولاد های‌خود زندگی کند، ازطبیعت، از نعمات زندگی بهره ببرد مابایدتلاش کنیم که ما در ها کت بچه های خود آرام باشند و خندهٔ نواسه های خود را ببینند. من امروزاین سرود کودکان را بدختر کوچکم به نواسه هایم یاد میدهم.

((بگذار همیشه صلح باشد
بگذار همیشه آفتاب‌باشد
بگذار همیشه آسمان‌باشد
بگذار همیشه مادر باشد
بگذار همیشه من باشم.

ومن اطمینان دارم که‌چنین خواهد شد. چرا که‌همیشه عشق بر نفرت و صلح بر جنگ پیروز است.))

کنجکاوی عجیبی وجودم را پر کرده است میخواهم زندگی او را بیشتر دریابم میپرسم چطور شد که برگشتید به کشور؟

میگوید «چطور شد؟ من آنجا فهمیدم که باید پس بیایم به وطن خودم وبرای آبادی کشور خودم، برای روشن کردن مفکوره وطن‌دارهای خودم کار کنم. جنگ که تمام شد بعد ازیکسال آمدم، دلم به‌کوه های پامیر برای مادر برای‌مردم وطنم تنگ شده بود، آمدم افغانستان در سرحد دستگیر شدم آن وقت قدرت، قدرت فیودالان بود. قدرت پادشاه بود، مارا بندی کردند شش ماه در بدخشان بودیم در دهمزنگ بودیم. یک آشنا قوماندان ژاندارم عمومی‌بود. مارا خلاص کرد. به قندهار فرار کردم، پانزده سال در قندهار کار کردم، لین کشی می کردم و بعد آمدم در خانه سازی در مکروریان انجنیر نل دوانی کمبودبود بحیث‌نل دوان کار میکردم، ۱۲ میلیون افغانی داده بودند که تقسیم شود بین کسانی که قانونی رخصتی نرفته بودند. اما مقامات مسوول میخواستند که این پول را ندهند. آن وقت ما رخصتی هم رفته بودیم اما بخاطر همکاران خودم همراه آنها اعتصاب کردیم. قوای ضربه آمد. دور مارا حلقه کردند. کارگران دو گروه شدند یک گروه میخواست مقاومت کند ویک گروه مخالف بود. من سر ستیز بالا شدم چند کلمه گپ زدم در باره حقوق خود ما در بارهٔ یکپارچگی کارگران صحبت کردم، گروه مخالف هم پس آمدند. باز آنجا صدای ما را در تایپ کردند وگفتند که این آدم کارگران را تحریک میکند. مرا ازآنجا بر طرف کردند. بعدا در دستگاه افغانی کار میکردم وزارت داخله که به تکمیل رسید به یک انجنیر آلمان غرب فهماندند که من در شوروی بودم، کت‌فاشیست هاجنگ کرده‌ام نامش ((مستر تیل)) بود. از آنجا هم‌مرابر طرف کردند. از اینجا دیگر خانهٔ خود را فروختم رفتم بدخشان و آنجا قطعه زمین کوچکی گرفتم و شروع کردم به بیل زدن و آباد کردن. اما این کار کافی نبود. رفتم درپروژهٔ آبرسانی بدخشان وآنجا مشغول کار شدم اما هیچگاه از مبارزه دست نکشیده ام. حال هم با این سن‌وسال و ظیفهٔ خود مرا نسبت به‌وطن نسبت به مردم به‌حزب انجام میدهم. من یک‌حزبی هستم من یکبار پیمان بستم که تا آخرین نفس بخاطر انسان وسعادت انسان مبارزه کنم و حرف مردیکیست. حال زندگی آرامی دارم عصرها که ازکار آمدم در کار خانه کمک‌میکنم درخانهٔ ما برابری است بسیار تفاهم داریم اوقات بیکاری در همان زمین کوچک بیل میزنیم. جوی جور میکنم، نهال می نشانم. پارسال سی نهال رابرای سربازان شوروی تحفه دادم میدانید آنها برای من مثل اولاد واری هستند من تمام مفکورهٔ خودرامدیون کشور آنها هستم. این مفکوره به تمام زحمتکشان زندگی بخشیده. پلک هایش را روی هم میگذارد و درافکار دور و دراز خود غرق می شود.

به دستهای پینه بستهٔ از کار، به چشمهای درخشانش که حال آرام گرفته اند مینگرم براستی چه‌عظمتی است انسان زمانیکه چنین سر فرازانه با افکار عالی بر گذشته و حال خود مینگرد ((خوب بودن درمیان سختی سرنوشت، خوب ماندن و مهربانی و نیک خواهی را در میان آنهمه ستیزه های خشن حفظ کردن از آزمون گذشتن و به زشتی ها اجازهٔ رخنه به گنجینهٔ درونی را ندادن)). آری براستی چه عظمتی است انسان.

ناصر

صدای زمین

(بقیه صفحه ۵)

دریور هم بودم، دهقانی را نیز میدانم. ولی میخواهم معلم زبان آلمانی شوم.

فغان مادرش نینا سرگی یفنا به آسمان پیچید، او میگفت:

ـ ازبخت بدم خدا به من چنین فرزندی داد. همین دیروز آلمانی هارا از دیار ما به دور افگندیم، امروز پسرمان زبان این متجاوزین را به دیگران میخواهد بیاموزاند.

الکسی متاثر شدو گفت:

ـ حرف در زبان نیست، مادرجان! او از راهی بیش از چهار سال خدمت‌سربازیش واز کارش پس ازخاتمه جنگ سخن راند.

معلم شدنش را تقویت دادند، او ضمن آنکه‌خودش غیابی زبان می آموخت همچنان صنف اول پوهنتون «گزان» را غیابی ختم کرده، از صنف دوم شامل‌تحصیل روزانه شد. علم جیو لوجی را انتخاب کرد.

همراه دانشمندان شهرروس با مسیر ایده آل علمی‌خود با راه میخائیل واسیلی ویچ لومونوف رفت و در این ساحه پیروز شد. عناوین ودرجات علمی داکتر و پروفیسور را بی جهت به‌اونه داده اند. الکسی پتروویچ دوساحل رود بزرگ والگا را کاملا از نگاه جیولوجی بررسی نمود و به خصوص ترکیب جغرافیایی زمین منطقه «گزان» و «کوی بیشف» را مفصلا تحقیق‌کرده و همبستگی قشر زمین روسیه و مرز های هم جوار آنرا مشخص گردانید. به حیث عضو شورای علمی جیو مور فولوژی اکادمی علوم اتحاد شوروی وعضو کمیسیون بین المللی تجارب آموزش دشت ها، راجع به جیو مور فولوژی علمای جهان را از تحقیقاتش با خبر ساخت. زمانی‌فعالیت علمی بیش از ده داکتر علم‌که تحت نظر او به تحقیق علمی شروع نموده بودند، اکنون از تجارب آموخته خود در مناطق گوناگون اتحادجماهیر شوروی سوسیالیستی پی تهیه مونوگراف های‌دکتورای علم میباشند. به ویژه‌وقتی که گنیادی پتروویچ اوتاکوف ووالیری ماز ژیرین، مانند این شاگردان به حلقه استاد می آیند، صحبت ها اوج می گیرد. عبارات و افاده های آنها به اشخاصی که دور از علوم طبیعی اند، نامفهوم می‌آید، ولی ماهیت این ملاقات به شخص فهما می باشد، ترکیب خصلت‌انسان به مانند خواص زمین است، هر دویک پارهٔ از هستی در ماحول وزمان اند و بدون هم‌وجود نخواهند داشت. از این لحاظ انسان باید بانو آوری خود زمین را حافظ باشد، نه گذارد که عمق آن ودر روی آن حوادث بدی به وقوع بپیوندد.

همین روز ها در تالار باشکوه پوهنتون کابل به مناسبت چهل سالگی جشن پیروزی مردم شوروی در جنگ کبیر میهنی سال های ۱۹۴۱ ـ ۱۹۴۵ گرد هم آیی استادان و محصلین برپاشد. پس از آنکه عدهٔ ازاستادان و محصلین در موضوع مربوط سخنرانی کردند، رئیس پوهنتون کابل داکتر اسدالله حبیب چنین اظهار داشت:

اینک میخواهیم از زبان قهرمان جنگ، قهرمان‌کار وقهرمان علم الکسی پتروویچ دید کوف بیانیه یی‌را استماع کنیم، «زیرا سخن از زبان لقمان خوش می آید».

مردی قوی هیکل سرسفید از جابلند شد، باتبسم گرمی حاضرین را دید زد و چنین گفت:

ـ وقتی به جنگ میرفتم مثل اکثر شماحاضرین این جلسه با شکوه هفده، هجده ساله بودم ... صحبت موثر اشتراک کنندهٔ جنگ میهنی به جوانان وطن پرست افغان تاثیر عمیقی بخشید. گروهی ازشاگردان دیدکوف نیز در مجلس حضور داشتند. آنها به استاد شان می نگریستند واورا سر ازنو می شناختند. روح آرام، کرکتر عالی، سخنان عادی ولی پر از حکمت اوبه حاضرین الهام می بخشید.

ـ با چنین‌انسان ها پیروز نشدن در جنگ ممکن نبود، ـ عدهٔ از حاضرین این مطلب را میگفتند، آنها به جاگفته بودند.

س. احمر

برادرانه کمک نمودند

۴۰ مین سال
پیروزی بر فاشیزم

تبصرهٔ سیاسی

جنگ تجاوز کارانه راکه آلمان فاشیست و متحدین آن علیه اتحاد شوروی وسایر کشور های صلح دوست جهان تحمیل نموده بودند، استقلال و دست آورد های انقلابی سایر ملل را نیز به مخاطره انداخت. از همین رو جمهوری مردم منگولیا قاطعانه در جهت نیروهایی قرار گرفت، که علیه فاشیزم مبارزه می کردند.

۲۲ جون ۱۹۴۱ در جلسه مشترک هیات رئیسه کمیته مرکزی حزب انقلابی مردم منگولیا، شورای وزیران و هیات رئیسه خورال کوچک جمهوری مردم منگولیا مسئله ((حمله وحشیانه فاشیست ها را علیه اتحاد شوروی)) تقبیح نموده و از مردم منگولیا خواست تا در نهضت وطن پرستانه‌جمع آوری کمک به بهترین دوست مردم منگولیا اتحاد شوروی سهم گیرند زحمت‌کشان جمهوری مردم منگولیا به این خواست حزب و دولت جواب مثبت داده و نهضت وسیع حمایت و کمک همه‌جانبه رابه مردم اتحاد شوروی و اردوی آن به راه انداختند.

کمیته مرکزی حزب انقلابی مردم منگولیا مستقیماً نهضت مذکور را که تمام اقشار مردم رااحتوا می کرد، رهبری می نمود.

این نهضت در واقعیت امربه وظیفه تمام مردم مبدل شد، بعضی از موسسات دولتی و کوپراتیفی فرمایشات خاص اردوی شوروی را در قدم اول تولید نمودند. کارگران و کارمندان موسسات دولتی روزانه اضافه از وقت معینه کار وحتی در روز های یکشنبه کار می نمودند. پولی که از مدرک این کار های اضافی به دست می آمد مستقیماً به حساب کمک به مردم اتحاد شوروی ارسال میشد. بر علاوه در تمام ایماق های (ولایات) منگولیا کمیسیون ساز ماندهی جمع آوری‌کمک به اردوی اتحاد شوروی تشکیل گردید. در مدت‌جنگ به حساب کمک به اردوی اتحاد شوروی، پول نقد، زیورات، طلا و نقره وسایر اشیای قیمتی، لباس های گرم زمستانی، مواد خوراکه وغیره ارسال شد. همچنان تعداد زیادی از کارمندان سکتور صحت عامه و مردم منگولیا داوطلبانه‌خون خود را به زخمی های جنگ اهدا نمودند.

در نوامبر سال ۱۹۴۱که مصادف با ۲۴ مین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر بود، حکومت جمهوری مردم منگولیا به نمایندگی از مردم آن کشور به سربازان وافسران اردوی سرخ در جبهات، اولین قطار حامل پارسل های تحفه ها را ارسال نمود و این کار تا پایان جنگ‌کبیر میهنی، در جبهات والخوفسکی، کالینفسکی، جبهات شمال غرب، مرکزی و جبهه اول اوکراین، جبهه غربی ادامه داشت. ارزش مجموعی این تحفه ها به ۶۵ میلیون توگریک (واحدپولی منگولیا)می رسید. بر علاوه از پولی که از کمک مردم منگولیا جمع آوری شده بود از آن ۵۳ عراده تانک های تی ـ ۳۴ تولید گردید. کندک که در آن تانک های مذکور قرار داشت به نام کندک تانکهای ((منگو ـ لیای انقلابی)) نامیده شد همچنان از این پول ها ۱۲ فروند طیاره نیز تولید گردید که کندک طیاره مذکور به نام ((ارات منگو ـ لیا)) نام گذاری گردید ۱۲ جنوری ۱۹۴۳ کندک تانک های «منگولیای انقلابی» رسماً به فرقه ۱۱۲ تانک اتحاد شوروی تسلیم داده شد. غندی که در آن تانک های ((منگولیای انقلابی)) قرار داشت، درختم جنگ جهانی دوم به نام غند سوخه باتور مسمی شد. کندک طیارات ((ارات منگولیا))درسال ۱۹۴۳ در تسلیحات اردوی سرخ‌شامل شد. این طیارات درجنگ های نواحی مسکو تا برلین شرکت ورزیدند.

درسال های جنگ جهانی دوم مالداران منگولیا در حدود نیم میلیون راس اسپ به اردوی سرخ فروخته و ۳۲ هزار راس دیگر رابه آنها تحفه دادند.

مردم منگولیا به مردم اتحاد شوروی در تجدید ساختمان اقتصاد ملی آن کشور که در جریان جنگ جهانی دوم ورشکسته گردیده بود، کمک های زیاد برادرانه نموده و زحمتکشان منگولیا درسال اخیر جنگ و همچنان در سال اول بعد از جنگ به حساب کمک به مجروحین جنگ کبیر میهنی و اطفال یتیم نیرو های مسلح اتحادشوروی (۵) میلیون توگریک کمک ارسال نمودند. مالداران‌منگولیا دراین‌مدت اضافه از ۵۰ هزار راس‌مواشی نسل اصلاح شده را به خاطر احیای مالداری اتحاد شوروی به آن کشور اهدا کرد.

مردم، حزب کمونیست و حکومت اتحاد شوروی کمک های مردم منگولیا را به اردوی سرخ منحیث ثبوت دوستی برادرانه و پایدار مردمان منگولیا و اتحاد شوروی ارزیابی نموده‌اند.

از مطالب ارسالی سفارت کبرای جمهوری مردم منگولیا در افغانستان

اخبار خارجی، واقعیتها، حوادث

سوسیالیزم رشدیافته در اتحاد شوروی: دستاوردها ودورنماها

کار عظیم در سمت تدارک پرشکوه بیست و هفتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی توام با استنتاجات، ارزیابی‌ها و طراز بندی پیروزی‌های سوسیالیزم رشد یافته در شرایطی ادامه دارد که اتحاد شوروی به قلل شامخ ورفیعی ازتکامل تاریخی دست یازیده است. تحلیل و تبیین پژوهشنه کثیر السطوح و کثیر الجوانب تکامل سوسیالیزم رشد یافته در رسانه‌های گروهی، نشرات اکادمی‌های علوم و دیگر نهاد های علمی اتحاد شوروی بازتاب شگرف و درخشانی ازخلاقیت تاریخی- جهانی خلق‌های شوروی درامر ساختمان جامعه طراز نوین است که تحت رهبری پیشاهنگ مجرب، آبدیده و خردمند خویش - حزب کمونیست اتحاد شوروی، حزبی که در کوره بزرگترین نبرد های تاریخی چون پولاد ناب آبدیده گردیده واز بوته آزمایش های عظیم قد بر افراشته، حزبی که بنیادگذار آن لنین، رهبر داهی و آموزگار نابغه پرولتاریای جهان است بدان نائل گردیده اند.

کار این نگارش تلاشیست در جهت برجسته نمودن و مبرهن گردانیدن این واقعیت که اتحاد شوروی در جریان ترقی اجتماعی به مرحله تغییرات کیفی در تکامل نیرو های مولده و به بیان دیگر در مرحله گذار کیفی در تکامل انتنسیفیکاسیون تولید و آمیزش سیستم سوسیالیزم رشد یافته با آخرین دستاورد های انقلاب علمی و فنی، وارد گردیده است.

شاخص های رشد اقتصادی اهداف یازدهمین پلان پنجساله در مدت زمان بیشتر از چهار سال تجسم مادی این مرحله است. صرفه جوئی در منابع مادی، افزایش مولدیت کار و رشد سریع نرخ تولید به نسبت افزایش نیروی بشری، منابع انرژی و بالاثر آن تامین رشد محسوس سهم عوامل ((تشدید)) در افزایش عاید ملی است.

پیشرفت های اقتصادی سالهای ۱۹۸۵ - ۱۹۸۱ نشاندهنده گرایش اساسی درسمت تغیرات مثبت ودینامیك انتنسیفیکاسیون تولید اجتماعی است.

ترقی در جامعه بدون تغییرات اساسی در عرصه اقتصادی میسر نیست، هدف نهایی ساختمان جامعه طراز نوین است که هم‌اکنون در اتحاد شوروی پروسه‌آن با تکامل سوسیالیزم رشد یافته متجلی است. سوسیالیزم رشد یافته مرحله ویژه، ضرور و دراز در فاز نخستین کمونیزم است.

تکامل سوسیالیزم رشد یافته با انتنسیفیکاسیون پیوند ارگانیك دارد. شاخص های رشد این مسئله را تصریح میدارد. به‌گونه مثال عاید ملی درسال ۱۹۸۴ نسبت به سال ۱۹۸۳، ۳٫۱ در صد تولیدات صنعتی ۴٫۴ درصد (پلان پیشبینی شده ۳٫۸) و سرمایه گذاری های عامه ۳ درصد افزایش را نشان میدهد. محصول ناخالص زراعتی در سال ۱۹۸۴ به ۵٫۶ در صد (۱۰٫۰۰۰ ملیون روبل) وعامل مولدیت در تولید صنعتی ۹۳ در صد افزایش را نسبت به ۹۰ در صد پلان برجسته مینماید. به همین گونه عاید واقعی در سال ۱۹۸۴ به ۳٫۳ در صد افزایش نموده (پلان ۳٫۱ در صد) و ۱۱۳٫۷ میلیون متر مربع منازل مسکونی مدرن با تمویل این پروژه از تمامی منابع اعمار گردیده است که ۱٫۳ میلیون متر مربع افزایش را نسبت به سال ۱۹۸۳ نشان میدهد. به صورت کلی تولید اجتماعی موثریت و کیفیت تولید به میزان بزرگی ارتقا نموده است.

گزارش بورد احصائیه مرکزی اتحاد شوروی حاکیست که عاید ملی استفاده شده برای مصارف و انباشت به ۴۹۶ هزار میلیون روبل بالغ گردیده است که رقم ۱۲ هزار میلیون افزایش را نسبت به سال ۱۹۸۳ نشان میدهد. تولید صنعتی ۳۱ هزار میلیون روبل بیشتر ازسال ۱۹۸۳ و به ۷۸۳ هزار میلیون روبل ارتقا نموده است و تولید زراعتی به ۱۳۵ هزار میلیون روبل که به متوسط سالیانه ۷۰۰۰ میلیون روبل در سه سال گذشته افزایش نموده است.

انتنسیفیکاسیون تولید عامل اساسی تکامل اقتصاد ملی اتحاد شوروی درشرایط سوسیالیزم رشد یافته است. این مرحله بربنیاد اخرین دستاورد های انقلاب علمی - تکنالوژیك، بهبود سازمان کار، تولید و اداره و بهره برداری موثر از نیروی کار انسان، منابع مادی و مالی که مبین پروسه انتنسیفیکاسیون است بنیان دارد.

تکامل علوم و ترقی تکنالوژی در اتحاد شوروی به میزان بزرگی مولدیت کار اجتماعی را ارتقا بخشیده است. ((تکامل علم وسیله اساسی برای کامل کردن حیات انسان است. این تکامل به افزایش سلطه انسان بر طبیعت، ثروت اجتماعی عیشان، دامنه و قدرت فعالیت آنان، توانائی شان در اداره امور خود وارضاء نیاز های شان کمك میکند)). تمام تجربه پربهای اتحاد شوروی این مسئله را مبرهن نموده است. دستاورد های علمی اتحاد شوروی و کاربرد آن در عمل اجتماعی اهمیت این مسئله را تصریح میکند. به دستاورد ها مراجعه کنیم در سال ۱۹۸۵ در اتحاد شوروی ۴۲۰۰ نوع نوین ماشین ها، تجهیزات ووسایل تولید میگردد که نسبت به سال ۱۹۸۴، هفت عشاریه هفت درصد افزایش خواهد یافت. در حدود ۸۰۰ واحد و سیستم کنترول خود کار پروسه الکترونیکی تولید میگردد و ۱۱۵۰ ست کامپیوتر برای کنترول ماشین ها، دستگاه ها ووسایل نصب میشود که نسبت به سال ۱۹۸۴، ۵۷ در صد افزایش می‌یابد.

بازده مانیپولاتور های خود کار (روبات های صنعتی) به ۱۴ در صد افزایش خواهد یافت و تا ختم سال ۱۹۸۵ به ۴۰۰۰ پایه تقرب خواهد کرد. کاربرد مانیپولاتور های خود کار امکان ذخیره ۲۰۰ میلیون روبل را میسر نموده و شرایط را برای استخدام ۶۰۰۰ کارگر در دیگر رشته های اقتصاد ملی فراهم مینماید.

((پالایش)) سوسیالیزم رشد یافته در عین زمان پیشرفت واقعی در سمت فاز دومین سوسیالیزم است.

درست برهمین مبنا است که ((پالایش)) همه جانبه سوسیالیزم رشد یافته استراتژی حزب کمونیست اتحاد شوروی را تشکیل میدهد.

فعالیت خلاقه برای آینده تنها برپایه آنچه که اکنون وجود دارد بنیان ندارد. بگونه نمونه باز سازی تولید. باز سازی به‌یك مفهوم به معنی بهبود آنچه وجود دارد است واین برای ساختمان جامعه طراز نوین بسنده نیست در مرحله کنونی تکامل سوسیالیزم رشد یافته دراتحاد شوروی مساعی عظیم درسمت جستجوی راه های حل کاملا انقلابی، نوین، علمی و فنی به‌منظور ارتقاء چندین برابر مولدیت و بهبود کیفی تولید متمرکز است. این مسئله مستلزم همگانی کردن ماشین های خود کار است که بر پایه دستاورد های میکرو- الکترونیك بنیان دارد.

اقتصاد و تولید پایه رشد جامعه و عرصه عمده رقابت میان دو سیستم جهانی سوسیالیزم وسرمایه داری در شرایط همزیستی مسالمت آمیز بین این سیستم های کاملا متفاوت اقتصادی واجتماعی است. بناء مسئله ((پالایش)) تولید به مثابه ((پالایش)) سوسیالیزم رشدیافته دراین عرصه نقش اساسی ایفا میکند وبه سخن اکادمیسین افاناسیف شاهراه دراین جا همان انتنسیفیکاسیون تولید است. تنها بدین وسیله میسر است که مولدیت کار به میزان بیسابقهٔ افزایش یابد.

انتنسیفیکاسیون گذار از کمیت (رشد ظرفیت تولید برپایه تکنالوژی موجود ونیروی کار) به کیفیت (تکنالوژی مدرن، سازمان‌علمی کار و اداره و کارگران متخصص) است. به بیان دیگر تولید مقادیر بزرگ کالا های با کیفیت بهتر در مدت زمان کوتاه با حد اقل ساحه و قیمت های مادی و مالی. تولید سریع، ارزان وبا کیفیت بهتر جوهرانتنسیفیکاسیون را تشکیل میدهد.

محتوی و مضمون این مسئله را همانگونه که بنیادگذار بزرگ سوسیالیزم علمی مبرهن نموده، صرفه جوئی درزمان می سازد. به این مفهوم که دریك واحد زمان تولید حد اکثر ارزش های مادی ومعنوی با کیفیت بهتر، یعنی ارتقا سطح تولید ازنظر کمیت وکیفیت و باالاثر آن ترقی جامعه وهمراه با آن هر فرد این پر نسیپ عام بازتاب رابطه ارگانیك ترقی اجتماعی با درجه صرفه‌جویی درزمان است.

صرفه جویی در زمان نه تنها قانون نخستین اقتصادی بلکه زندگی اجتماعی نیز است و سنگ بنیاد این‌تکامل جامعه سوسیالیستی و کمونیستی است.

همانگونه که تذکر داده شد انتنسیفیکاسیون با انقلاب در تکنالوژی، به کاربرد دستآورد های علم و فن بشری، راسیونل گردانیدن سیستم اقتصادواداره‌اجتماعی وارتقاء معیار های آموزشی، پرورشی و تخصص پیوند ناگسستنی دارد.

بهبود سوسیالیزم رشد یافته در اتحاد شوروی نه تنها عرصه‌اقتصاد بلکه‌تمام ارگانیزم نهایت بغرنج زندگی اجتماعی را نیز دربر می گیرد.

رهبری علمی و مدبرانه حزب کمونیست اتحاد شوروی در اقتصاد ودیگر عرصه های زندگی‌اجتماعی تضمین نیرومندی برای پیروزی های عمده خلق‌های شوروی در امر انجام‌وظایف بزرگ تاریخی- جهانی است.

جامعه شوروی با ایجاد ناب ترین و انسانی ترین ارزش های دموکراسی سوسیالیستی این‌حقیقت را متجلی نموده است که تنها در سیستم سوسیالیستی دموکراسی واقعی تجسم می‌یابد. سوسیالیزم بدون دموکراسی و دموکراسی پیگیر بدون سوسیالیزم متصور نیست. سوسیالیزم نخستین فورماسیون اقتصادی - اجتماعی است که ایدیال های بزرگ آزادی، دموکراسی و تساوی را در کردار تحقق می‌بخشد.

دموکراسی سوسیالیستی باپندار های انکار گرایانه، انارشیستی، اوانتوریستی وارداه گرایی فردی بورژوازی در زمینه دموکراسی، آزادی و حقوق متضاد است. در سیستم سوسیالیستی هر گام نوین در سیاست های اقتصادی و اجتماعی گامیست درسمت دموکراتیزه نمودن همان عرصه ها. سیستم سیاسی سوسیالیستی برتری اش‌را عملا نسبت به سیستم‌سیاسی پلورالیزم بورژوازی که بازتاب انتاگونیزم طبقات اساسی جامعه است تثبیت نموده است.

جامعه سوسیالیستی رشد یافته در اتحاد شوروی و مجموع ساختار اقتصادی، اجتماعی وسایکلوژی اجتماعی آن نه مانند مرحله آغازین که ((تکاملش از سرمایه‌داری آغاز میگردد)) بلکه برپایه بنیان‌های خود تکامل میکند.

سوسیالیزم رشد یافته با پیشرفت و قوام عمده عرصه‌های زندگی اقتصادی واجتماعی مشخص میگردد و بطور همه جانبه رشد میکند.

مشخصات کلی‌سوسیالیزم رشدیافته دراتحاد شوروی بدین گونه اند:

- رشد سریع نیرو های تولیدی بربنیان آخرین دستاورد های انقلاب علمی و فنی و بالاثر آن رشد همه جانبه انسان نوین شوروی که هم اکنون ایجاد گردیده است.
- تکامل همه جانبهٔ روابط اجتماعی سوسیالیستی بر پایه بهم پیوندی‌طبقات و اقشار اجتماعی تساوی واقعی‌وقانونی همه ملل و ملیت ها وهمکاری برادرانه میان آن ها وبالنتیجه آن پیدایش جامعه‌بشری‌نوین تاریخی که پروسه تکاملش‌را میپیماید.
- تکامل دموکراسی واقعی و سهم گیری واقعی زحمت کشان در اداره دولت و آمیزش حقوق و آزادی واقعی افراد جامعه بامسولیت ها و وجایب‌افراد در برابر جامعه.
- انسان نوین شوروی با ارزش های عالی وطنپرستی و انترناسیونالیزم.
- جامعه ایکه همه‌دستاورد های علم و فن و همه پیشرفت های اقتصادی به خاطر ترقی همه جانبه جامعه و فرد قرار دارد.

پیروزی های عظیم اتحاد شوروی از کار خستگی‌ناپذیر ومساعی پایان ناپذیر حزب کمونیست اتحاد شوروی جدایی نا پذیر است. حزب کمونیست اتحاد شوروی در هرمرحله عطف در تاریخ حزب زحمتکشان و جامعه شوروی گام های عمده در تکامل‌تیوری سوسیالیزم علمی برداشته است. سوسیالیزم رشد یافته بمثابه بیان تیوریك مرحله کنونی‌تکامل جامعه شوروی بیان این امر بزرگ است.

تجربه اتحاد شوروی جلوه گاه کارایی عظیم فلسفه علمی-تاریخی و دانش تکامل بمثابه متودولوژی وهسته جهان بینی جاودان بنیادگذاران سوسیالیزم علمی سلاح نیرومند دردست‌انسان بخاطر تغیر انقلابی جهان است.

تجربه اتحاد شوروی بیان مادی پیروزی ((دیالکتیك انقلابی [illegible] مارکسیستی)) است که امکان درك واقعیت رادر حرکت و تکامل دایمی با تمام مظاهر و جنبه های متنوع، مشخص و ماهیت متناقص آن میسر می‌گرداند.

سوسیالیزم رشد یافته پیروزی بزرگ خلق های شوروی و همه بشریت زحمتکش است.

حل تمام مسایل ووظایف بغرنج مربوط به مرحله سوسیالیزم رشد یافته مضمون کار کثیر الجوانب حزب کمونیست اتحادشوروی وخلق های شوروی را تشکیل میدهد. و بدون تردید کنگره بعدی (کنگره بیست و هفتم حزب کمونیست اتحادشوروی) نقش بزرگی را در زمینه وبخاطر داعیه ترقی و صلح درسیاره ماایفا خواهدنمود.

گریم ((حقوق))

جلسه باشکوه در مسکو

(بقیه صفحه اول)

قهرمانان جنگ از کشور های دیگر شرکت ورزیده بودند.

درین گرد هم آیی سران هیات های دیپلوماتیك در اتحاد شوروی نیز حاضر بودند.

در هیات رئیسه این گردهم آیی رفیق میخائیل گرباچف منشی عمومی کمیته مرکزی حزب‌کمونیست اتحاد شوروی و دیگر رهبران حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی، رهبران برجسته نظامی، قهرمانان جنگ‌و قهرمانان کار، سران هیات‌های کشور های سوسیالیستی و تعدادی از کشور های دیگر شامل بودند.

تاس می افزاید سرود ملی اتحاد شوروی درین گرد هم آیی نواخته شد و درفش پیروزی که چهل سال قبل برفراز رایشتاگ برافراشته شده بودو درفش های بخش های قوای مسلح اتحاد شوروی وارد تالار گردید.

رفیق میخائیل گرباچف گزارشی را تحت عنوان، کار برجسته فنا ناپذیرمردم شوروی، ایراد کرد.

باختر

ملاقات دوستانه

رفیق محمود بریالی عضو علی البدل بیروی سیاسی ومنشی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان باحافظ الاسد منشی‌عمومی حزب بعث سوسیالیستی عربی و رئیس جمهور سوریه در دمشق‌ملاقات‌نمود. طی‌این ملاقات‌رفیق محمودبریالی‌پیام رفیق ببرك کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیك خلق افغانستان ورئیس شورای انقلابی جمهوری دموکراتیك افغانستان را به رهبر سوریه تقدیم کرد.

در جریان ملاقات طرفین اوضاع‌شرق نزدیك ومیانه و همچنان مسایل انکشاف همکاری بین حزب دموکراتیك خلق افغانستان و حزب بعث سوسیالیستی عربی سوریه و همچنان گسترش روابط بین جمهوری‌دموکراتیك افغانستان و جمهوری عربی سوریه را مورد بحث قرار دادند.

حافظ الاسد اظهار داشت که سوریه از مبارزه مردم افغانستان علیه امپریالیزم وارتجاع که تلاش دارد دررشد انقلاب ثور راسرکوب نموده وپروسه دگرگونی های اقتصادی - اجتماعی در جمهوری دموکراتیك افغانستان را متوقف سازد حمایه میکند.

رفیق محمود بریالی سیاست پیگیر جمهوری عربی سوریه را در مبارزه علیه پلان های امپریالیزم وصهیونیزم مورد ستایش قرار داد.

رفیق محمود بریالی افزود مقاومت سوریه در برابر پلانهای امپریالیزم و صهیونیزم از سیاست آن کشور مبنی بر پشتیبانی از مبارزه خلقهای منطقه‌ومنجمله مبارزه مردم افغانستان برای پیشرفت اجتماعی، آزادی و استقلال جدایی ناپذیر است.

باختر

تبصره ما

کنفرانس ناکام

آمادگی برای تدویر کنفرانس سران هفت کشور عمده صنعتی سرمایه داری یعنی انگلستان، فرانسه، آلمان فدرال، ایتالیا، جاپان ایالات متحده امریکا و کانادا باسرو صدای کر کننده و کمپاین عظیم تبلیغاتی همراه بود. در واقعیت امر اجندای این‌کنفرانس راکه هفته قبل در بن آغاز گردید و بتاریخ سوم می خاتمه یافت، عین‌موضوعات کنفرانس های‌قبلی این کشور ها تشکیل میداد. بصورت ظاهری ودر روی کاغذ، اشتراك کنندگان کنفرانس‌که شامل‌سران دول، صدراعظم ها و وزرای خارجه این‌کشورها بودندمیبایست روی موضوعات و پرابلمهای حاد اقتصادی که دامنگیر جهان سرمایه داریست بحث ومذاکره کنند. ولی چنانچه تجربه سه کنفرانس گذشته این کشور ها نشان داده است ایالات متحده امریکا این بار نیز توجه اشتراك کنندگان را ازمسایل اقتصادی منحرف ساخته و آنها را به تعمیل طرحهای سیاسی، نظامی‌و ستراتیژيك خود وادار ساخته است. کنفرانس‌امسال نیز از قبل تحت‌شعاع‌مسایل سیاسی مطروحه‌توسط ایالات متحده امریکا، نظیرسیاست ملیتاریستی این کشور در مورد نظامی ساختن کیهان، بازدید ریگن از گورستان فاشیست‌ها و بالاخره‌تصمیم این کشور مبنی بر اعمال تحریم در عرصه اقتصادی‌و تجارتی علیه نیکاراگوا قرار گرفت.

نتایج نهایی کنفرانس به وضاحت نشان می‌دهدکه علی الرغم شانتاژ ووعده های میان‌تهی‌رهبران ایالات متحده امریکا در مورد کاهش کسر بودجه امریکا، حل مسأله نرخ بلند دالر و جلوگیری ازایجاد نوسانات پولی عظیمی که بحران‌جهان سرمایه را عمیق تر می‌سازد کشور های اروپایی حاضر نشده اند که طرح کاخ‌سفید را در موارد مختلف سیاسی- اقتصادی و اعمال تحریم اقتصادی-تجارتی مورد تائید قرار دهند. وزرای خارجه هفت کشور گزارش جورج شولتز همتای امریکایی خود رادر مورد اعمال تحریم علیه نیکاراگوا شنیدند ولی آنها این طرح را رد کردهو خواستار آن گردیدند تا پیشنهاد های کشور های کانتادورا در امریکای مرکزی عملی گردد. کشور های اروپایی به دیالوگ و گفتگوی خود با کشور های‌امریکای مرکزی ادامه خواهند داد.

نظر به گزارشهای مطبوعات کشور های اروپای غربی و جاپان، درکنفرانس بن ایالات متحدهٔ امریکا همه تلاش خودرا بخرچ می داد تا متحدین آن از برنامه جنگ ستاره گان اداره ریگن به بهانه دفاعی بودن آن پشتیبانی بعمل آورند. ولی در این زمینه نیز مخالفت‌های بعضی از کشور های اروپایی اشتراك کننده دراین کنفرانس رفع نگردید. رهبران کاخ سفید تلاشی ورزیدند تا از این کنفرانس بمثابه فشار و شانتاژ در برابر سایر کشور های بزرگ صنعتی سرمایه داری استفاده‌کرده وآنهارا وادار به عملی ساختن دیکتات واشنگتن سازد. وابستگی کشور های اروپای غربی درقبال ایالات متحده امریکا چه از نگاه سیاسی- ستراتیژیك و چه از نظر اقتصادی مغایر منافع اینکشور ها بوده هیچگونه بهبودی را دروضع کشور های اروپای غربی که دستخوش بحران اقتصادی شدید، بیکاری، تورم، کسر بودجه، رکود اقتصادی ونوسانات عظیم پولی‌اند ببار نخواهد آورد.

خالد حافظ

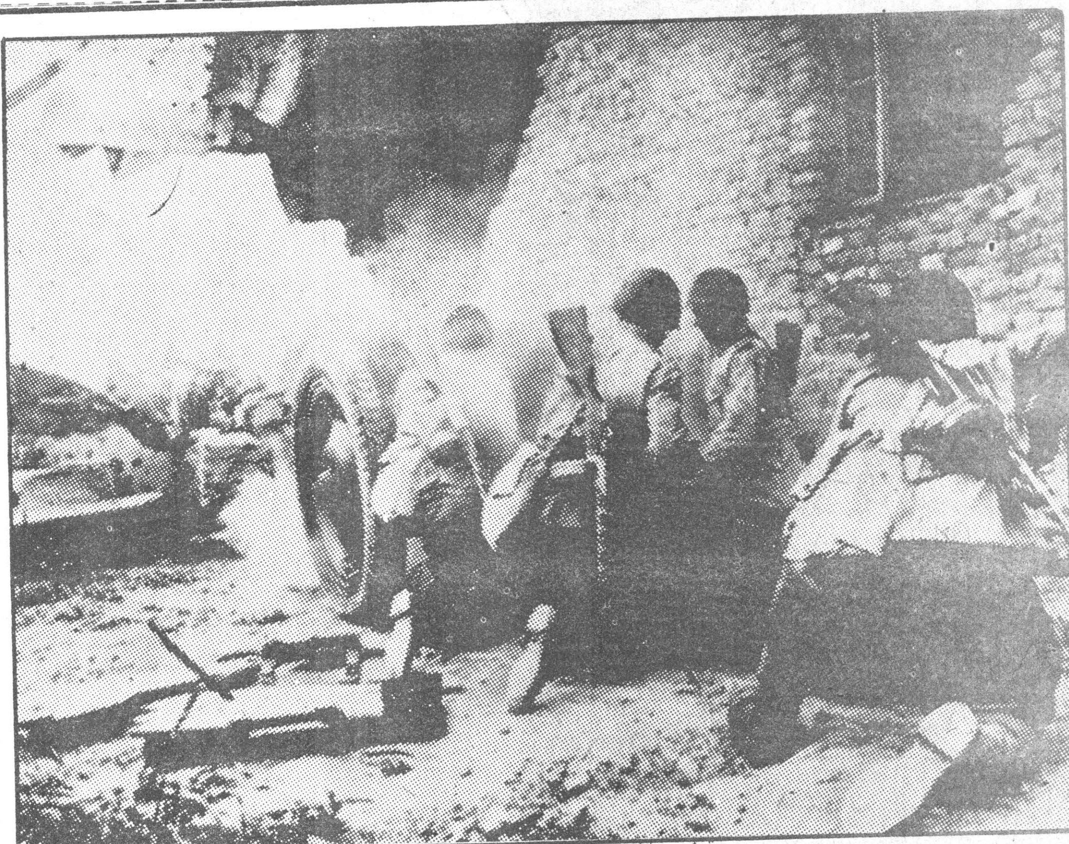
انسان چکوسلواکیا اززندگی شاد و پرسعادت برخوردار شده است. این ره‌آورد بی‌بدیل سوسیالیزم می باشد.

عکس: انسامبل کودکان «جترنیکا» کاخ پیشاهنگان و جوانان ناحیوی در چکای کریمیلوا در جنوب بوهیمیا



به افتخار پیروزی بر فاشیزم



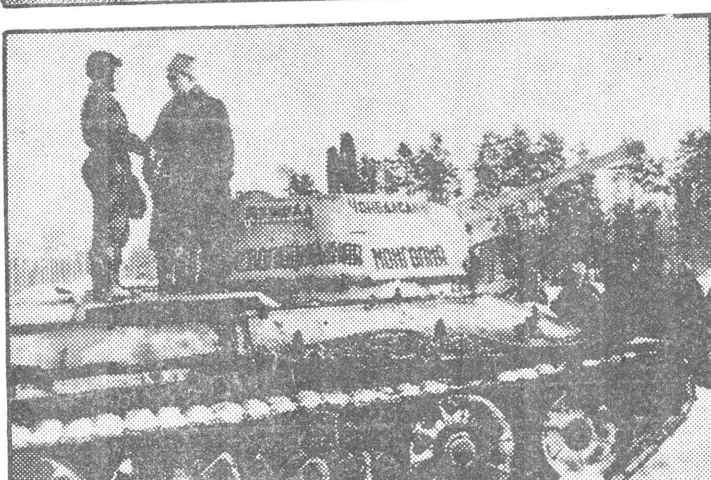


● حمله بر برلین

● میتنگ سر بازا نشوروی در دروازه براندن بورگ دربرلین به تاریخ ۲می ۱۹٤٥



قوماندا ن جبهه جنر ال کنستانتین اوکوسو فسکی



● رهبر خلق منگولیا چویبالسن تحفهٔ زحمتکشان منگولیا راکه عبارت از۵۳عراده اتانکمیباشدبهاردوی شوروی تقدیم مینماید .

عکس ها از کار نامه ها سخن میگویند

● اول می د رخیابا ن ها ی برلین - زن مبارزی از اتحاد شوروی جریان ترافیک را تنظیم میکند .





کمونیست ها به پیش !



افسرا ن اتحاد شورو ی‌ویوگوسلاو یا که بلگراد را آزاد نمودند .



سر بازا ن شورو ی د ر برگشت از جنگ به خا نه هایشا ن

زیرنظر هیأت تحریر
مدیر مسوول : صدیق کاوون

تیلفونها
مدیر مسوول : ۲۱۰٤۱ اداری : ۲۱۹٤۱ صندوق پستی : ۷۸۰
سوچبورد : ۲۱۰٤۲
۲۲٤۷٤ ۲۱۰٤۳ شکایات وتوزیع : ۲۲۸۵۹ حساب بانکی : ۱۰۱۸ بر۹

قیمت یکشماره "۲۰" افغانی
چاپ ویب آفسیت - مطبعهٔ دولتی